



آفتاب

نشریه داخلی بانک خاورمیانه . سال چهارم . شماره ۱۷ . آبان ۱۳۹۷

♦ اشتیاق سوداگری

♦ تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران چقدر مشروعیت دارد؟

♦ تورم و توهم

♦ شکست سیاست‌های اقتصادی بدون سرمایه اجتماعی

♦ تجربه توریستی کشورها در سال ۲۰۱۷

♦ فین تک علیه بانک

♦ هنر تحریم‌ها با نگاهی از درون



بسم الله الرحمن الرحيم



نشریه داخلی بانک خاورمیانه/سال چهارم /شماره هفدهم/آبان ۱۳۹۷

۲	اشتیاق سوداگری
۳	انزوا خودکشی است
۴	تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران ...
۶	تورم و توهم
۸	شکست سیاست‌های اقتصادی بدون سرمایه اجتماعی
۱۰	تورم و بحران اقتصادی
۱۲	تجربه تورمی کشورها در سال ۲۰۱۷
۱۴	کاربردهای بلاک چین برای دولت‌ها
۱۵	فین تک علیه بانک
۱۶	برهه حساس همیشه کنونی
۱۸	کدملی در نظام بانکداری
۱۹	پارادوکس سوئیفت اروپایی
۲۰	برنامه‌ریزی برای توسعه شغلی
۲۲	هنر تحریم‌ها با نگاهی از درون
۲۳	کارآفرینی که هیچ‌گاه آرام نمی‌گیرد
۲۴	اخبار

سردبیر: محسن کریمی

دبیر اجرایی: سینا زارعی

زیر نظر مدیریت ارتباطات بانک خاورمیانه

همکاران این شماره:

آرین آقابییگی، امین بهبودی، امیر بهزادی نیا، مریم ذوالفقار، سینا زارعی، شبنم طاهریان، شیرین کاتبی، محسن کریمی، محمد کوثری

طراح گرافیک و صفحه‌آرا:

بانوبیگلی

برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه لطفا یک ایمیل با عنوان اشتراک آفتاب خاورمیانه به نشانی info@middleeastbank.ir ارسال فرمایید.

■ آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است

که تمامی حقوق آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.

■ مسوولیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار

آنها لزوما به معنی تایید تمام یا بخشی از مطالب نیست.

■ نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع مانعی ندارد.

■ منابع در آرشیو نشریه موجود است.

دیدگاه‌ها و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا نشانی پستی برای ما ارسال نمایید و یا با ما تماس بگیرید.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)،

نبش خیابان پنجم، شماره ۲،

ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه

کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷

تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰

دورنگار: ۸۸۷۰ ۱۰۹۵

پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۲۱۷۸

مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۸۷۲ ۶۶۹۰

امور سهامداران: ۴۲۱۷ ۸۰۲۰

تحریریه آفتاب خاورمیانه: ۴۲۱۷۸۵۵۶

www.middleeastbank.ir

info@middleeastbank.ir

https://telegram.me/ME_Bank

<https://instagram.com/ME.Bank>



تراکنش کافی نیست!

بروز تر باشیم

موبایل بانک خاص مدیران شرکت‌ها



بانک خاورمیانه
Middle East Bank
www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

اشتیاق سوداگری



محسن کریمی
مدیر ارتباطات، بانک خاورمیانه

از اواخر فروردین ۹۷ که معاون اول رییس جمهوری نرخ جدید ارز و شرایط سختگیرانه اعطای ارز را اعلام کرد، روند رشد روزانه و پرتأثیر افزایش نرخ غیر رسمی ارز را شاهد بوده‌ایم. به تبع آن افزایش بهای کالاهای وارداتی و همچنین کالا و خدمات داخلی و حتی کمیابی و نایابی برخی کالاها مشاهده شد. این موج بی‌ثباتی، اقشار مختلف جامعه را وارد چالشی کرد که به منظور حفظ ارزش پول خود به سراغ کالاهای سرمایه‌ای بروند. تشدید تقاضای خرید ارز، طلا، سکه، ملک و حتی برخی کالاهای مصرفی مانند مواد غذایی و بهداشتی روند طبیعی بازار را دچار اختلال کرد. این رفتار عمومی جدای از نگاه اقتصادی نشان از بی‌اعتمادی عمومی نسبت به توانایی نهادهای اجرایی در مدیریت بازار بود و حتی تلاش‌ها و تاکیده‌های مکرر مسوولان در مورد تأمین نیازها و اطمینان‌بخشی به متعادل شدن بازار نتوانست از شتاب این اشتیاق بکاهد.

در مورد آشفته‌گی به وجود آمده در عرضه و تقاضای ارز نیز تشکیل سامانه‌ها و اعلام دستوری نرخ‌هایی که برای بازار جذابیت نداشت موجب عدم عرضه و افزایش تقاضا و در نتیجه جهش قیمت در بازار ارز و سکه شد. این رشدهای مقطعی اشتیاق مردم به خروج منابع از بانک‌ها و هجوم به کالاهای سرمایه‌ای را افزایش داد. در واقع اقدام مثبت دولت برای اختصاص ارز برای واردات کالاهای اساسی با ناتوانی در تأمین ارز در بازار ثانویه موفق به کنترل و تنظیم بازار نشد.

بانک مرکزی اعلام کرد که بنا ندارد برای تنظیم بازار از منابع بانک خود استفاده کند و توقع دارد منابع حاصل از صادرات غیرنفتی که حدود ۴۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود وارد بازار شود و بازار را تنظیم کند. از سویی ایجاد محدودیت در

ورود ارز به کشور و همچنین زرمزه کاهش خرید نفت از سوی برخی کشورها این التهاب‌ها را بیشتر کرد. بانک مرکزی با این استدلال که ۹۷ درصد از مبادلات ارزی کشور از طریق حواله انجام می‌شود، برای پاسخگویی به نیاز مطرح در سطح جامعه اقدامی نکرد و جو روانی افزایش اسمی نرخ ارز بر تمام کالاها و خدمات تأثیر شگفت‌انگیزی گذاشت. این که چه سازوکارهایی موجب بروز این شرایط شده است بحثی چند جانبه است؛ از فشارهای خارجی و عدم پاسخگویی به انتظارات مردم گرفته تا مشکلات نهادهای اقتصادی و ناتوانی در مدیریت هماهنگ بخش‌های اقتصادی. مشکلی که اقتصاددانان و فعالان کسب و کار بر آن تأکید می‌کنند پرهیز از احکام دستوری و پیروی از قواعد بازار بوده است. در واقع جلوگیری از افزایش نرخ ارز بر اساس نرخ تورم سالانه در پنج سال گذشته و ناتوانی از ادامه این سیاست موجب افزایش انفجاری نرخ ارز شد. از سوی دیگر به دلیل متوازن نبودن افزایش نقدینگی سالانه با افزایش تولید کالا و خدمات افزایش قیمت‌ها و تورم بالا قابل پیش‌بینی بود.

شفاف نبودن قواعد و به تبع آن ایجاد رانت‌های ویژه و فسادهای ناشی از آن همواره مورد اعتراض فعالان بخش خصوصی بوده و بی‌توجهی به آن موجب ضربه به بخش تولید و تقویت فعالیت‌های واسطه‌گری است. در نتیجه وقایعی که مرور کردیم بحث احتکار و انبار کردن مایحتاج عمومی موج جدیدی در جامعه به وجود آورد که باز هم اشتیاق سوداگری و سودجویی را تحریک کرد. کالاهای وارداتی بیشترین جذابیت را برای این طیف از سوداگران داشتند. اخبار مرتبط به تخلفات تخصیص ارز و واردات گوشی‌های تلفن همراه و ورود شرکت‌های غیرتخصصی به این بازار

تا مدت‌ها سوژه رسانه‌ها بود تا جایی که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم وارد ماجرا شد و تعدادی از مدیران این شرکت‌ها دستگیر شدند. بلوای دیگر در حوزه مواد مصرفی سلولوزی به وجود آمد. این محصولات که مورد استفاده روزانه دارند به ناگاه در بازار کمیاب شد و پس از هجوم مردم به بازارها برای تهیه و ذخیره‌سازی، ارائه آن نیز از سوی تولیدکنندگان با محدودیت مواجه شد. در پی آن هر روز کمیابی یک کالا از رب گوجه‌فرنگی گرفته تا سیب‌زمینی و لوازم‌یدکی خودرو موضوع‌هایی بوده که واکنش‌های مختلفی از سوی مردم و مسوولان داشته است. ما به عنوان یک ناظر می‌توانیم این رفتارهای مردم را نکوهش کنیم ولی احساس محافظت از خود و دارایی‌ها با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط آینده، رفتارهای عامه مردم را برای حفظ ثروت و تبدیل پول به کالایی که ارزش خود را از دست نمی‌دهد؛ توجیه می‌کند.

به هر حال افزایش نرخ ارز انجام شده و فارغ از التهاب‌های کنونی بازار که با برخی تمهیدات به آرامش خواهد رسید، تأثیر این افزایش بر بهای کالاها ملموس است و در آینده نزدیک بهای انرژی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و هم اکنون سناریوهای پیشنهادی افزایش نرخ بنزین برای سال آینده روی میز دولت است. حال باید دید که با شرایط پیش آمده و جهش قیمت‌ها دولت قرار است چه تدبیری انجام دهد و از فرصت موجود برای جراحی اقتصادی چه استفاده‌ای خواهد کرد. آیا اجازه می‌دهد که قیمت‌ها به سوی واقعی شدن حرکت کنند و گرانی نسبی همراه با حضور کالا در بازار را انتخاب می‌کند و یا روش دهه ۶۰ را در پیش خواهد گرفت و سهمیه‌بندی، کنترل دستوری و تشدید بازار سیاه را برمی‌گزیند؟

جهانی‌سازی درحال‌حاضر حکمرانی را جهانی کرده است. اگرچه قدرت نهادهای ملی همچنان ادامه دارد اما قدرت این نهادها به نفع نهادهای بین‌المللی تنزیل شده است. در جهان حاضر فعالیت‌های بزرگ امکان محبوس شدن درون مرزها را ندارد، ساختار قدرت به نفع نهادهای و شرکت‌های بین‌المللی درحال تغییر است. با توجه به اینکه موضوع بحث درباره اقتصاد و بانکداری است، نقطه ثقل صحبت را به سمت بانکداری بین‌المللی بر می‌گردانم. در بانکداری بین‌المللی، استانداردها، رویه‌ها و حتی مرامنامه‌های داوطلبانه‌ای به‌وجود آمده‌اند که اگر بانکی قصد ادامه فعالیت در خارج از محل و مرزهای داخلی خود را داشته

باشد، ناچار به رعایت تمام این مقررات است. به‌طوری که بین بانک‌های بسیار کوچک و بسیار بزرگ در این مورد تقریباً تفاوتی نیست. حتی اگر موسسه‌ای وزن بسیار بزرگی در بانکداری داشته باشد نیز از مقررات معاف نخواهد شد. با یک مثال صحبت خود را ادامه می‌دهم. فرض کنید این مقررات را آمریکا یا غرب آورده باشد، اما اکنون طبق آماری که همین ماه گذشته در مورد عملکرد کمی نظام بانکی بین‌المللی منتشر شده است، در بین ۱۰ بانک برتر جهان، چهار بانک چینی رتبه‌های اول تا چهارم را کسب کرده‌اند. چهار بانک برتر دیگر نیز آمریکایی هستند. با اینکه چهار بانک اول دنیا چینی هستند، اما چینی‌ها در طراحی مقررات نظام بانکداری بین‌المللی نقش چندانی ندارند. آن‌طور که روش طراحی و اعمال تحریم‌ها را می‌فهمیم، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که از آن استفاده می‌کنند، همین پدیده جهانی‌سازی است. بسیاری از این موارد ربطی هم به تحریم ایران ندارد، مانند FATF که می‌گوید حتی اگر کشور متحد و دوست ما در ۱۵ سال گذشته مرور شود، می‌بینیم که اسرائیل و کشورهای مانند، آفریقای جنوبی، روسیه، اتریش و ... به‌عنوان کشورهای پرریسک معرفی شدند و به آنها اخطار داده شد. این کشورها نیز با اصلاح و تجدید طراحی در مقررات و رویه‌های خود تلاش کردند تا از لیست FATF خارج شوند. اینها ربطی به تحریم ایران نداشته است، در حقیقت قواعدی درست شده که دنیا طبق آن کار می‌کند. این مساله در گذشته مثلاً حدود ۱۰۰ سال پیش به این شکل اساساً وجود نداشته است. در ذیل بحث جهانی‌سازی، ماهیت مالکیت و سرمایه هم بین‌المللی شده است. طوری‌که حتی سازمان‌هایی که سهامدار آمریکایی ندارند، ممکن است در آینده نزدیک مشمول خرید و اقدام سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها شوند و سهامدار آمریکایی داشته باشند. در دنیا، بازار کار به‌خصوص بازار کار مدیران هم تا حدودی یکپارچه شده است. مدیران اروپایی و آمریکایی در اقصی نقاط دنیا کار می‌کنند. این باعث می‌شود که بسیاری از موسساتی که مدیران یا کارکنان آمریکایی را استخدام می‌کنند، به‌دلیل تحریم‌ها نتوانند با ایران کار کنند. این دینامیسمی که مدیریت، مالکیت و سرمایه جهانی پیدا کرده است، یک قابلیت بی‌بدیل به کشور آمریکا می‌دهد که تلاش کند سیاست‌های خودش را در عمق طرف مقابل اجرا کند. اهرم دیگری که از آن استفاده می‌کنند قدرت اقتصاد و بازار آمریکا است. یعنی



احمد عزیزی
دکترای حسابداری و علوم مالی از دانشگاه علامه طباطبایی

علاوه بر ممنوعیت تجارت و تعامل با کشور تحریم شده، به کشورهای ثالث می‌گویند اگر می‌خواهی با ایران کار کنی، ما با تو کار نخواهیم کرد. اگر هم شرکت، بانک و کشوری باشد که با آمریکا کار نکند، از قدرت دلار استفاده می‌کنند. هر شرکت، بانک و کشوری که قواعد آنها را رعایت نکند، نمی‌تواند حساب دلاری داشته باشد. در واقع آمریکا به تمامی بانک‌های خود دستور می‌دهد که زنجیره تسویه دلار را برای آن کشور خاص، پاره کند. روش‌های تسویه پرداخت‌های خارجی ایران برای ده‌ها سال سیستم نظارتی آمریکا را دچار کورچشمی کرد، به این معنی که دریافت‌ها و پرداخت‌های ایران طوری جلوه داده می‌شد که معلوم نمی‌شد که برای ایران بوده است (از طریق Repair کردن دستور پرداخت‌ها)، که در آن زمان قانونی هم بوده است. اما به‌خاطر این کار، سیستم بانکی آمریکا بانک‌های بزرگ و کوچک بین‌المللی را ده‌ها و بلکه صدها میلیون دلار جریمه کرده است. این مساله جلوه عملیاتی جهانی شدن در نظام بانکداری بین‌الملل و قدرت دلار را نشان می‌دهد. در مورد جهانی‌سازی حرف‌های بسیاری هست، خلاصه مطلب این است که پس از ۴۰ سال که بانک‌های ما در فرآیند تحریم اجمالی و ۱۰ سال تحت شدیدترین تحریم‌ها بوده‌اند، از لیگ جهانی بانکداری حذف شده‌اند، به‌طوری‌که در آخرین رتبه‌بندی بانک‌های جهان در فهرست هزار بانک اول دنیا، تنها یک نماینده داریم. اگر این بانک هم گزارش‌های خود را مطابق استانداردهای بین‌المللی انجام دهد، از این لیست هزار بانک اول حذف خواهد شد. به‌طور خلاصه جهانی‌سازی، اقتصاد آمریکا و قدرت دلار، اهرم‌هایی هستند که بیش از ۱۵۰ سال نظام تحریم و محدودیت تجاری آمریکا علیه کشورهای مختلف، در قرن بیست و یکم اثربخشی تحریم‌ها را تغییر ماهیت داده و آن را تبدیل به ابزاری بسیار ارزان و کارآ کرده است. در حقیقت این سه اهرم، با تمرکز بر نظام بانکداری بین‌المللی و بخش خصوصی جهانی اجزای تعیین‌کننده ماهیت نظامی است که ما به‌عنوان نظام تحریم‌ها در مقابل خود داریم.

آبدیهی است که ما باید در این نظام حضور داشته باشیم و از حضور در این نظام استنکاف نکنیم. شما با تعریف غیر معمول از خود و جایگاهتان در نظام بین‌المللی، نظام بین‌المللی را تغییر نمی‌دهید، بلکه خودتان را به سمت انزوا و پذیرش هزینه‌های گوناگون سوق می‌دهید. این هزینه‌ها در نهایت تولید فقر می‌کند که رشد و توسعه از آن بیرون نمی‌آید. روندهای گذشته در ایران، شاهد این ماجرا است، چرا که درحال‌حاضر در نازل‌ترین نقطه عملکردها قرارداریم.

تلخیص مصاحبه منتشر شده در «جمعه‌نامه» نشریه دنیای اقتصاد

تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین الملل

تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران چقدر مشروعیت دارد؟

” ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ دونالد ترامپ پس از اعلام خروج قطعی آمریکا از برجام، فرمان بازگشت تحریم‌های تعلیق‌شده بر اثر برجام را امضا کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز به اشخاص حقیقی و حقوقی که در زمینه مرتبط با تحریم‌های هسته‌ای با ایران در حال همکاری هستند تا ۶ آگوست (۱۵ مرداد) یا ۴ نوامبر (۱۳ آبان) فرصت داده است تا اقدامات لازم را به منظور قطع روابط با ایران اتخاذ نمایند در غیر این صورت مشمول تحریم‌های آمریکا قرار خواهند گرفت. “

جایگاه تحریم در منشور سازمان ملل متحد

از یک دیدگاه تحریم‌های اقتصادی قابل تقسیم به تحریم‌های یک‌جانبه یا تحریم‌های چندجانبه کشورها (همچون تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت) است.

گذشته از آنکه در باب وضع تحریم‌های اقتصادی عده‌ای از حقوق‌دانان بین‌الملل معتقد به مشروعیت مطلق آن هستند و در مقابل برخی اعتقاد به عدم مشروعیت مطلق آن دارند و هر دو گروه دارای تحلیل و استدلال‌های خود می‌باشند؛ اما به نظر می‌رسد گرایشی به رویکرد سوم مبنی بر مشروعیت نسبی تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت در حال تکوین است.^۱

در منشور سازمان ملل متحد (ماده ۴۱) به شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین رکن سازمان برای پاسداشت صلح و امنیت بین‌المللی، امکان برقراری تحریم اقتصادی علیه کشور ناقض صلح و امنیت به عنوان یک راهکار غیرنظامی داده شده است.

مشروعیت اعمال تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت مطلق نیست و منوط به شرایطی است. نخست آنکه شورای امنیت پیش از اتخاذ هر نوع اقدام نظامی یا غیرنظامی، می‌بایست به‌موجب ماده ۳۹ منشور احرار کند آن‌ا تهدید صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه صورت گرفته است یا خیر.^۲ به بیان دیگر پیش‌شرط اعمال فشار توسط شورای امنیت، ضرورت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است و مشخص است جایی که تهدیدی رخ نداده و یا نقض صلح و تجاوزی محقق نشده است؛ تجویزی برای برقراری تحریم نیز وجود نخواهد داشت.

به علاوه شورای امنیت به عنوان رکنی از ارکان سازمان ملل به اصول حقوق بین‌الملل عام ملزم است و با توجه به بند ۲ ماده ۲۴ منشور که به‌صراحت تأکید می‌نماید شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند؛ در اعمال تحریم‌های اقتصادی ملزم به رعایت اصول انسانی بودن، ضرورت و تناسب است. بدین معنی که اقدامات شورای امنیت نباید به قدری شدید و سخت باشد که افراد را در معرض خطر بیماری و مرگ قرار دهد و باید اطمینان حاصل کند اقداماتش در جهت تحقق اهدافی است که به خاطر آن‌ها ایجاد شده است. همچنین اندازه هر عمل محدود کننده باید متناسب با ضرورت آن باشد؛ بنابراین مزایای برنامه تحریم باید بیش از زیان‌های برآمده از آن باشد.^۳

در نهایت ضروری است تصمیم شورا با قواعد امره حقوق بین‌الملل، سایر مقررات منشور، مقررات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز سازگار باشد.

از دیدگاه محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در تصویب تحریم، هر شش قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه ایران (از قطعنامه ۱۶۹۶ سال ۲۰۰۶ تا قطعنامه ۱۹۲۹ سال ۲۰۱۰) قابل تأمل است و دست کم از این منظر که به گفته‌ی کارشناسان، این تحریم‌ها بر روی برنامه هسته‌ای ایران تأثیرگذار نبوده، بلکه تأثیرات منفی بر روی اقتصاد ایران گذاشته‌است؛^۴ با معیار اثرگذاری و کارآمدی



شیرین کاتبی
وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس حقوقی اتاق بازرگانی ایران

جایگاه عهدنامه مودت در روابط فی‌مابین ایران و آمریکا

برقراری تحریم‌های یک‌جانبه از طرف آمریکا از دیدگاه عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی نیز قابل تأمل است. عهدنامه مذکور در سال ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا منعقد شده و از آنجایی که لغو یا خاتمه این عهدنامه از سوی هیچ یک از طرفین خواسته یا اجرا نشده است و هم چنین در دعاوی متقابل مورد استناد دو کشور و دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است، همچنان معتبر و لازم‌الاجراست.^۵

در بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه به آزادی تجارت بین قلمرو طرفین تصریح شده و بند ۱ ماده ۸ نیز دلالت بر منع طرفین از اعمال رفتار نامساعد نسبت به محصولات طرف دیگر یا محصولاتی که قرار است به مقصد طرف دیگر ارسال گردد، دارد.

با استناد به نقض مفاد همین عهدنامه، ایران پس از خروج یک طرفه ایالات‌متحده آمریکا از برجام، شکایتی را (در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸) به‌ منظور لغو تحریم‌های آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری تقدیم نموده است که در حال حاضر در این دیوان تحت رسیدگی قرار دارد. در جلسات برگزار شدیدی دیوان، آمریکا دلیل برقراری مجدد تحریم‌ها را حفاظت از منافع ملی و امنیت خود دانسته و مدعی شده است طبق عهدنامه مودت که ایران در دفاعیات خود به آن استناد کرده، رفع مناقشات دو طرف ابتدا باید از طریق دیپلماسی حل و فصل گردد و در صورتی که به نحو رضایت‌بخش فیصله نیابد به دیوان ارجاع خواهد شد. بنابراین در این مقطع که طرق دیپلماسی طی نشده است؛ دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد. البته ایران علیرغم تجربه تلخ خود از برجام به عنوان دستاورد مذاکره و دیپلماسی بین طرفین، قبل از زمان آرایه‌ی دادخواست از طریق سفارت سوئیس در تهران دو یادداشت اعتراض دیپلماتیک به ایالات‌متحده‌ی آمریکا ارسال کرده ولی هیچ پاسخی از سوی این دولت ارائه نشده است؛ از همین رو دیوان بین‌المللی دادگستری در تصمیم اخیر خود و دستور موقتی که علیه آمریکا در تاریخ ۹۷/۰۷/۱۱ صادر نمود؛ اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا بر مبنای پیمان مودت میان دو کشور را دارد. در دستور موقت صادر شده از سوی دادگاه لاهه، از آمریکا خواسته شده است تا مانع از تجارت آزاد و نقل و انتقال مالی مرتبط با دارو و اقلام درمانی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی و لوازم یدکی و خدمات مرتبط با ایمنی و امنیت پروازهای غیرنظامی نشود.

در مورد فرجام رسیدگی دیوان به این اختلاف گفتنی است آرای دیوان نسبت به کشورهای طرف دعوا لازم‌الاجرا است و چنانچه رای صادره از دیوان به نفع ایران باشد و آمریکا از اجرای آن سر باز زند، ایران این بار می‌تواند به شورای امنیت شکایت کند؛ آنگاه آمریکا خواهد توانست با استفاده از حق وتوی خود، عملا رای دیوان را بلااثر کند.

برقراری تحریم از منظر برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۵+۱ و وزیر امور خارجه ایران در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به امضا رسید. سند برجام با توجه به قصد طرفین و محتوای آن یک توافق چندجانبه با ضمانت اجراهای سیاسی است و در چارچوب معاهدات بین‌المللی نمی‌گنجد. مواد ۳۶ و ۳۷ برجام، ساز و کارهای رسیدگی و تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه ادعای طرف‌های این توافق در خصوص نقض احتمالی تعهدات را پیش‌بینی کرده که در واقع موارد پیش‌بینی شده، راهبردهای سیاسی است و به همین دلیل است که ایران در طرح دعوا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به نقض برجام توسط آمریکا استنادی نکرده و کاملا آگاهانه از طرح موضوعی که با ایراد عدم صلاحیت از سوی آمریکا و دیوان مطرح می‌شود؛ خودداری نموده است. البته باید توجه داشت از دیدگاه حقوق بین‌الملل ماهیت برجام تأثیری بر تعهداتی

که آمریکا به پشتوانه اصل حسن نیت و عرف و نزاکت بین‌المللی ملزم به رعایت آن بوده است؛ ندارد و ذره‌ای از اهمیت این تعهدات نمی‌کاهد.

به منظور تحکیم پایه‌های عملی این توافق، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی جلسه ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را شش روز پس از امضای برجام، به تصویب رساند که در آن ضمن لغو قطعنامه‌های پیشین تحریمی علیه ایران، برجام را تأیید و خواستار اجرای کامل آن بر اساس برنامه زمانی مندرج در آن گردید^۶ و از کلیه دولت‌های عضو، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواست اقدامات حمایتی از اجرای برجام را انجام دهند و از انجام اقداماتی که اجرای تعهدات وفق برجام را با مشکل مواجه می‌کند؛ خودداری کنند. اهمیت قطعنامه شورای امنیت آنجا مشخص می‌گردد که در آن تصریح شده است دولت‌های عضو سازمان ملل بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد مکلف هستند تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا نمایند. با این اوصاف بدیهی است اقدام آمریکا برای خروج یک طرفه از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها بی‌توجهی کامل به قطعنامه شورای امنیت است و با هیچ توجیهی قابل دفاع نخواهد بود؛ مانند استدلال برخی حقوق‌دانان آمریکایی مبنی بر اینکه در قطعنامه برای الزام‌آور بودن می‌بایست از عبارت "تصمیم می‌گیرد-decides" استفاده می‌شد در حالی که در پارهای از موارد عبارت "فرا می‌خواند-Calls upon" خطاب به مخاطبان قطعنامه آورده شده و همین موضوع دلالت بر قصد تدوین‌کنندگان قطعنامه بر الزام‌آور نبودن آن دارد.^{۱۰} حتی بر فرض صحت چنین ادعایی بی‌توجهی به قطعنامه شورای امنیت به صرف الزام‌آور نبودن آن، همان‌گونه که دکتر ظریف در نامه خود خطاب به دبیر کل ملل متحد در تاریخ ۲۳ مه ۲۰۱۸ ادعاان داشته، رفتاری غیرمسئولانه و یک‌جانبه است که تأثیر مخربی بر حاکمیت قانون، چندجانبه‌گرایی و بنیان‌های دیپلماسی دارد.

سخن پایانی

شکی نیست تحریم‌های یک‌جانبه وضع شده از طرف آمریکا به‌ویژه پس از نقض برجام، مغایر تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، دست نیازیدن به زور در روابط بین‌الملل، اصل برابری حاکمیت کشورها، نقض برقراری همکاری‌های بین‌المللی عادلانه و متصفانه بر پایه میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقض حق توسعه اقتصادی کشورها، مخالف عهدنامه مودت و نقض آشکار توافقات بعدی طرفین، مغایر اهداف و مقررات سازمان تجارت جهانی که طلایه‌دار گسترش نظام آزاد تجارت در سطح بین‌المللی است و به‌طور خلاصه و در قالب یک جمله برخلاف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است. اما اینکه چرا مثلا دبیر کل سازمان ملل در واکنش به خروج آمریکا از برجام به ابراز تأسف پسندیده می‌کند^{۱۱} و هیچ اقدام عملی و اجرایی علیه آمریکا اتخاذ نمی‌شود؛ نشان دهنده‌ی این است که منطق حاکم بر دنیا لزوما حقوقی و قانونی نیست و آشوب اشاره شده برخاسته از عالم قدرت است و نباید فراموش کرد که قدرت سیاسی و مهم‌تر از آن اقتصادی دولت‌هاست که در تعیین ضمانت اجراهای بین‌المللی تعیین کننده است. در چنین شرایطی هدف ایران از طرح شکایت علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری قابل درک به نظر می‌رسد چرا که ایران می‌کوشد از طریق اثبات حقانیت خود و نشان دادن عدم پایبندی آمریکا به تعهدات بین‌المللی، فشار سیاسی و روانی از طرف جامعه جهانی بر آمریکا وارد نماید. اهمیت این اقدام اینجاست که تحریم‌های آمریکا در یک روند مبتنی بر قدرت – نه حق مداری و عدالت– شکل گرفته است و ابزاری است جهت اجرا و پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت آمریکا؛ بنابراین ایران نیز باید با توسل به روش‌هایی از این دست، هزینه‌های سیاسی آمریکا در اعمال زور را افزایش دهد و حقیقت را در مورد چهره حق به‌جانب آمریکا نزد افکار عمومی جهانی آشکارتر سازد.

پرونده (حقوقی)

منابع

۱. خواجوی، غلامرضا، "تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل"، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، صص ۱ و ۱۲تا۶

۲. فشندی، نوبان؛ قادری، حسین، "بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم‌های هوشمند علیه ایران و تأثیرات برجام بر این تحریم‌ها"، قانون یار، (تابستان ۱۳۹۶)، ص ۱۳۹

3. Davidson, Elisa, "Legal Boundaries to UN Sanctions", International Journal of Human Rights, Vol. 7, No. 4, (may 2002), PP. 7 to 13. Available at: http://aldeilis.net/english/wp-content/uploads/sites/32881/05/2010/_Legal-limits-to-UN-sanctions.pdf

4. "Iran's nuclear programme 'not harmed by sanctions' ", Daily Telegraph, available at: https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/8282578/Irans-nuclear-programme-not-harmed-by-sanctions.html

5. Crippling Sanctions

۶. آرای، وحید؛ قاسمی، ابوالفضل، "تحریم اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و بررسی تحریم‌های اقتصادی ایران در زمینه هسته‌ای"، اطلاعات– سیاسی اقتصادی، (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۷۵.

۷. ممتاز، جمشید، "تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، (تیر ۱۳۶۰)، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۸. میر فخرائی، سید حسین؛ پیری صادق، "استناد پذیری عهدنامه مودت ۱۹۵۵ادرباره تحریم‌های غرب علیه ایران"، مطالعات روابط بین‌الملل، (تابستان ۱۳۹۵)، ص ۹۳.

۹. دلخوش، علیرضا، "برجام و پس‌ابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل"، فصلنامه سیاست خارجی، (بهار ۱۳۹۶)، ص ۵۳

10. Available at: https://www.lawfareblog.com/new-unscri-iran-does-it-bind-united-states-and-future-presidents

11. Statement by the Secretary-General on the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), (08 May 2018), available at: https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/201808-05-statement-secretary-general-joint-comprehensive-plan-action-jcpoa



تورم و توهم



محمد کوثری

کارشناس تحقیقات اقتصادی.بانک خاورمیانه

■ توهم

در اقتصاد مفهوم جالبی وجود دارد به نام «توهم پولی»^{۱۱}. این توهم زمانی ایجاد می‌شود که فرد مورد نظر بدون در نظر گرفتن تأثیر «تورم» بر کاهش قدرت خرید، صرفاً به خاطر افزایش درآمد یا ثروت اسمی خود احساس پولدارتر شدن کند و خرج و مصرف خود را افزایش دهد. به بیان دیگر، توهم پولی عبارت است از فراموش کردن تغییر ارزش «واقعی» پول و تصمیم‌گیری با توجه به ارزش «اسمی» آن. پدیده‌ای که برخی سیاست‌گذاران از آن به نفع خود بهره‌برداری میکنند.

یکی از مواقع بروز توهم پولی با افزایش دستمزدها ایجاد می‌شود. افزایش فراگیر دستمزد و حقوق به طور طبیعی با افزایش تقاضا همراه است و به طور معمول به افزایش قیمت‌ها منتهی می‌شود. در این شرایط در حالی افزایش حقوق و دستمزد باعث رضایت بیشتر می‌شود که ممکن است قدرت خرید کمتری را ایجاد کند. در واقع اسماً پول بیشتری دریافت می‌کنند اما رسماً قدرت خرید کمتری خواهند داشت. پرداخت یارانه نقدی نیز کمابیش چنین مکانیزمی را ایجاد می‌کند.

تمایل برای افزایش نرخ بهره سپرده‌های بانکی نیز نوع دیگری از توهم پولی است. بالا رفتن نرخ سود اعطایی به سپرده‌ها در حالی سپرده‌گذار را راضی می‌کند که نرخ بهره اسمی بالاتر رشد نقدینگی و در نهایت تورم بالاتر را به همراه دارد و می‌تواند حتی به ضرر آن‌ها تمام شود.^{۱۲}

■ تورم

تورم چیست؟ آنچه در اقتصاد از آن به عنوان تورم یاد می‌شود، «نرخ رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرف‌کننده» است. فرض کنید یک سوم از هزینه‌های روزانه شما صرف کالای I و دو سوم صرف کالای II می‌شود. اگر سال آینده همین موقع قیمت اولی ۳۰ درصد و قیمت دومی ۱۲ درصد افزایش داشته باشد، تورم قیمتی که شما سال آینده نسبت به امروز تجربه خواهید کرد ۱۸ درصد (میانگین وزنی رشد قیمت آن دو کالا، با وزنی که در سبد هزینه‌های شما دارند) خواهد بود. همین کار را می‌توان با ایجاد شاخص و محاسبه نرخ تغییرات آن انجام داد.

بر اساس همین منطق بانک مرکزی (و همین‌طور مرکز آمار) با توجه به الگوی مصرف خانوارها حدود ۳۹۰ قلم مختلف از کالاها و خدمات مصرفی^{۱۳} (به طور دقیق‌تر ۲۹۴ قلم کالا و ۹۲ قلم خدمت) را در ۱۲ گروه عمده دسته‌بندی کرده و با ضریب اهمیتی که بر اساس بررسی بودجه خانوار محاسبه شده،^{۱۴} شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) را تهیه می‌کند.^{۱۵} برای مثال، در محاسبات بانک مرکزی خورد و خوراک حدود ۲۵ درصد و مسکن^{۱۶} و موارد مرتبط با آن به علاوه سوخت نیز حدود ۳۷ درصد از هزینه‌های خانوار را شامل می‌شوند و لذا تغییر قیمت این اقلام با همین ضریب در محاسبه تورم تأثیر دارد. (جدول ۱) تعیین ضریب اهمیت باید بر اساس واقعیت هزینه‌های یک «خانوار متوسط» سازگاری داشته باشد، لذا طبیعتاً افراد در دهک‌های درآمدی مختلف و سبدهای مصرف متفاوت تا حدی احساس متفاوتی از تورم خواهند داشت.^{۱۷}

تورم در ایران چقدر است؟ بر اساس داده‌ها و محاسبات بانک مرکزی، نرخ تورم شهریور امسال نسبت به شهریور سال ۱۳۹۶ معادل ۳۱/۴ درصد بوده است که البته با توجه به روند پیش رو تا انتهای سال به ارقام بالاتری خواهد رسید. (نمودار ۱) پس چرا این نرخ برای ما ناملموس است؟ به همان دلایلی که ذکر شد: دلیل اصلی آن می‌تواند به بحث ضرایب و میانگین وزنی گرفتن مربوط شود و دلیل فرعی آن به احتمال دقیق نبودن برخی قیمت‌های ثبت شده.

■ تورم دلار، طلا، مسکن

دلار، طلا، و مسکن سه کالایی هستند که شنیدن اسمشان گروهی از جامعه (اغلب دهک‌های درآمدی بالاتر) را خوشحال و گروه دیگری را ناامید و افسرده می‌کند. شدت افزایش قیمت این سه کالا در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ شوکه کننده بود. طی این مدت دلار حدود ۲۰۰ درصد،^{۱۸} سکه طلا حدود ۱۲۵ درصد، و متوسط مسکن حدود ۶۰ درصد^{۱۹} رشد کرده است. اما همان‌طور که در توضیح ضرایب اهمیت ذکر شد، برای محاسبه تورم مصرف‌کننده (به درستی) هیچ کدام در «سبد مصرفی» خانوار حضور ندارند. اما آیا در تعیین نرخ تورم هم تأثیری ندارند؟ دلار که قابل توجه است. تغییرات قیمت دلار از یک طرف به طور مستقیم موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی می‌شود که سهم مهمی در سبد مصرفی خانوار دارند. از طرف دیگر موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود که قیمت کالاهای تولید داخل را هم زیاد می‌کند. و از همه مهم‌تر موجب افزایش «هزینه فرصت کالاهای قابل تجارت» می‌شود، به این معنی که وقتی یک کالا در خارج کشور با قیمت بالاتری تقاضا داشته باشد، تمایلی برای فروش داخلی آن وجود نخواهد داشت مگر اینکه قیمت داخلی آن هم افزایش یابد. علاوه بر این، افزایش قیمت دلار در انتظارات تورمی جامعه نیز اثر معناداری دارد. تغییرات قیمت مسکن نیز خود را در تغییر ارزش اجاری مسکن (البته به صورت ملایم‌تر) نشان می‌دهد که در محاسبات وجود دارد. اما طلا و سکه اثری در تورم ندارند بلکه خود تحت تأثیر قیمت دلار هستند.

■ نتیجه

اگر حقوق بگیر هستیم، حواسمان باشد که قدرت خرید مهم است نه ارزش اسمی دستمزد. بنابراین، به هر قیمتی به دنبال افزایش حقوق یا افزایش سود سپرده‌ها یا افزایش وام‌ها نباشیم. و در مقابل اجازه ندهیم سیاست‌گذار از توهم پولی ما سو استفاده کند. و اگر سیاست‌گذار هستیم یادمาน باشد اگر توهم پولی مردم کمکی به اهداف سیاستی ما نکند، ناحق و غیراخلاقی است.

جدول ۱- ضرایب اهمیت گروه‌های اصلی کالا و خدمات در محاسبه شاخص قیمت مصرف‌کننده (سال پایه ۱۳۹۵)	وزن در سبد مصرفی
کل	۱۰۰/۰۰
مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	۳۷/۰۵
خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	۲۵/۵۱
حمل و نقل	۸/۹۰
بهداشت و درمان	۷/۸۳
پوشاک و کفش	۴/۶۲
اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده	۴/۳۳
کالاها و خدمات متفرقه	۳/۱۷
ارتباطات	۲/۳۰
تفریح و امور فرهنگی	۲/۰۷
تحصیل	۲/۰۳
رستوران و هتل	۱/۸۲
دخانیات	۰/۳۷

۱. Money Illusion یا توهم پولی نخستین بار توسط ابروینگ فیشر مطرح شد. وی از اصطلاح توهم پولی برای اشاره به ناتوانی تفکیک میان یک دلار و قدرت خرید آن دلار (یا آنچه که می‌توان پس از تورم با یک دلاری خریداری کرد) استفاده نمود.

۲. نکته قابل ذکر اینکه محل تأمین مالی پرداخت در مثال‌های بالا بسیار حائز اهمیت است. اینکه افزایش دستمزد به علت افزایش کارایی و بهره‌وری بوده یا خیر، اینکه محل پرداخت یارانه نقدی درآمدهای حاصل از مثلاً آزادسازی نرخ حامل‌های انرژی بوده یا منابع بانک مرکزی، و اینکه سود پرداختی از طرف بانک‌ها از طریق فعالیت‌های اقتصادی تأمین شده یا بانک‌ها در رقابت جذب سپرده ناچار به پرداخت آن شده‌اند از جمله موارد قابل توجه در این مورد است. برای مثال یکی از عواملی که موجب شد هذمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی یارانه در دولت قبل به افزایش تورم کمک کند این بود که درآمد ناشی از افزایش حامل‌های انرژی هزینه پرداخت یارانه نقدی را پوشش نمی‌داد و دولت از منابع بانک مرکزی برای جبران آن استفاده می‌کرد.

۳. برای مثال هزینه خرید یخچال، مبل و اجاق گاز از نوع هزینه‌های مصرفی است، حتی اگر برای مصرف در آینده خریداری شده باشد، اما هزینه‌های خانوار برای ایجاد ساختمان، هزینه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

۴. نسبت متوسط هزینه هر یک از اقلام مصرفی خانوارهای شهری به متوسط کل هزینه‌های مصرفی آن خانوارها در سال ۱۳۹۵ محاسبه و تحت عنوان وزن یا ضریب اهمیت با اهمیت نسبی هر یک از اقلام در سبد مصرفی خانوارها مشخص می‌شود.

۵. (طبق ادعای بانک مرکزی)، جمع‌آوری اطلاعات مربوط به قیمت کالاها و خدمات در کلیه شهرهای مورد بررسی از طریق مراجعه مستقیم (یا تلفنی) آمارگیران به منابع اطلاعاتی و مصاحبه با آنها صورت می‌گیرد. در واقع آمارگیران اقتصادی بانک مرکزی هر ماه به حدود ۴۰ هزار منبع اطلاعاتی مراجعه و قیمت جاری بیش از ۱۲۱ هزار واحد کالاها و خدمات را پرسش کرده و در صورتی که قیمت کالا یا خدمتی در ماه قیمت‌گیری نسبت به ماه گذشته افزایش یا کاهش داشته باشد، دلایل این نوسان بررسی و ثبت می‌شود. (حداقل روی کاغذ روش به این شکل است ولی شاید در عمل این روش با این کیفیت اجرا نشود)

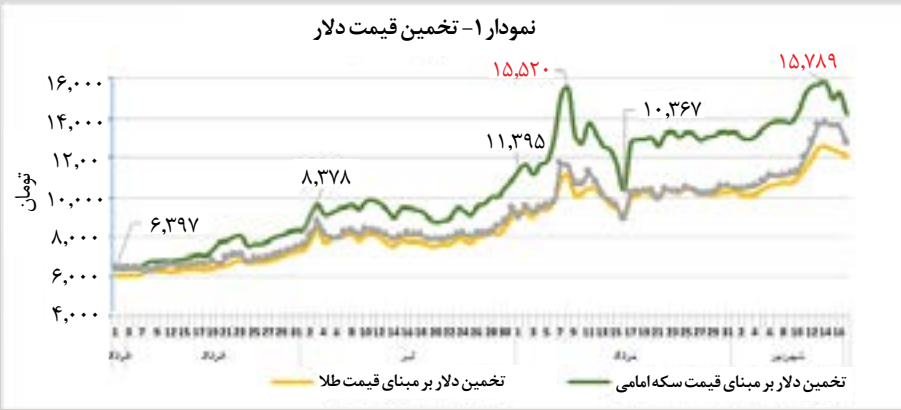
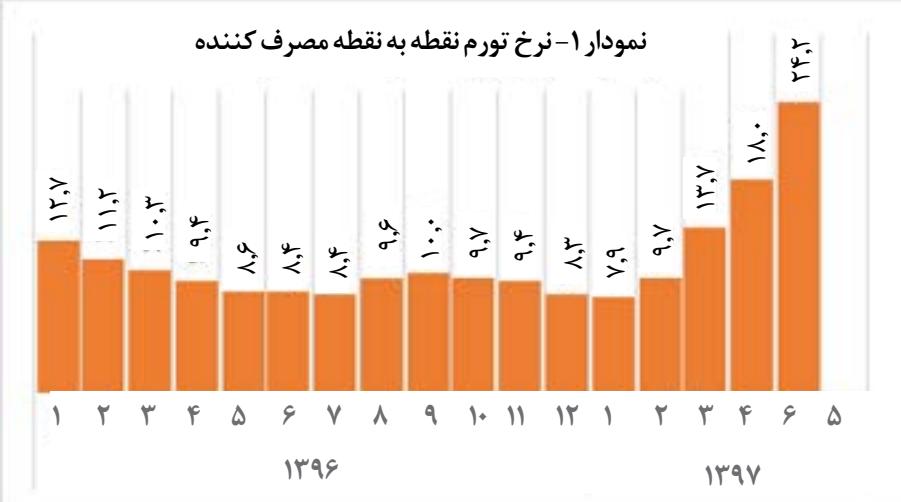
۶. منظور ارزش کرایه واحدهای مسکونی استیجاری و اجاره واحدهای مسکونی شخصی است (نه قیمت مسکن).

۷. به عبارت دیگر، همواره تورم بخشی از اقلام مذکور بیشتر و برخی دیگر نیز کمتر از تغییرات شاخص کل قیمت است. لذا اگر یک کالا یا خدمات برای شخص ما به‌صرف‌تر باشد، ضریب اهمیت آن برای ما بیشتر است و لذا تغییرات قیمت آن برای ما بیشتر حس می‌شود. البته نمی‌توان منکر این موضوع شد که در جزئیات این ضرایب مواردی نیز وجود دارد که وزن‌های در نظر گرفته شده با واقعیت قابل درک از بودجه خانوار به وضوح همخوانی نداشته باشد.

۸. اگر چه به دلیل شرایط خاص ایجاد شده توسط سیاست‌گذار پولی کشور، قیمت دلار به طور رسمی حداقل برای چند ماه اعلام نمی‌شد، اما به راحتی می‌توان قیمت آن را بر مبنای قیمت طلای خام، سکه طلا، یورو، و یا هر ارز معتبر دیگری محاسبه کرد. (نمودارهای ۲ و ۳)

۹. مسکن مثلاً طلا یا دلار یک کالایی همگن نیست که به راحتی بتوان در مورد تغییرات قیمت آن صحبت کرد. به همین دلیل به ناچار باید متوسط آن را در نظر گرفت. بنابراین شاید موردی هم باشد که قیمت آن ۱۰۰ درصد رشد کرده باشد، اما آمار رسمی رشد متوسط را نشان می‌دهد. حتی با فرض ۶۰ درصد افزایش قیمت ممکن است قدرت خرید همراه با تسهیلات در امسال از قدرت خرید بدون تسهیلات پارسال کمتر باشد. برای مثال قیمت یک واحد مسکونی که پارسال ۵۰۰ میلیون تومان بوده احتمالاً امسال به حدود ۸۰۰ میلیون تومان رسیده باشد که حتی ۲۰۰ میلیون تومان وام نیز آن را جبران نمی‌کند.

پرونده



شکست سیاست‌های اقتصادی بدون سرمایه اجتماعی

» «بحران اقتصادی» خفیف‌ترین عبارت نزدیک به واقعیتِ وضع موجود است که هر چند جنبه‌ای از واقعیت اقتصادی را بازگو می‌کند؛ اما همان‌گونه که شرح داده خواهد شد از توصیف تمام‌قد حقیقت عاجز است.
پیکر رنجور اقتصاد ایران در بیمارستانی که اطباء آن اقتصاددانان، سیاسیون و فعالان بازار هستند؛ بستری است. هر روز نسخه‌ای جدید برای این بیمار نوشته می‌شود ولی بهبودی حاصل نمی‌شود و همه این پزشکان فکر می‌کنند برای برون‌رفت از مشکل یا باید داروها را عوض کنند یا جراحی جدیدی انجام دهند.

تا لحظه نوشتن این مقاله نرخ دلار به کمی کمتر از ۱۱ هزار تومان (و دو روز بعد و در زمان ویرایش ۱۲۶۵۰ تومان)، نرخ بیکاری ۱۲.۱٪ (+ ۱۰.۴٪ اشتغال ناقص)، تورم دورقمی (بین ۱۰ تا ۱۲۰ درصد بسته به نوع محاسبه تورم یا مبنای گذشته‌نگر و آینده‌نگر) رسیده است. آمارهای غیررسمی از افزایشِ نزدیک به ۱۰۰٪ای قیمت مسکن و خودرو طی کمتر از ۶ ماه حکایت دارد و تفاوت قیمت کارخانه و بازار آزاد خودرو برآید به عنوان پرحرف و حدیث‌ترین خودرو طول تاریخ صنعت ایران، به بیش از ۲۰ میلیون تومان رسیده است.

این حجم از ناپایداری در اقتصاد کلان و در بازه‌ای به این کوتاهی قطعاً «بحران» اقتصادی محسوب می‌شود ولی توجه به این نکته ضروری است که ریشه این بحران اقتصادی، صرفاً در مسائل اقتصادی نیست و تقلیل اقتصاد به اقتصاد، نوعی آدرس غلط دادن محسوب می‌شود.
»



سینا زارعی کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی، بانک خاورمیانه

روندهای اقتصادی طی شده

اگر به مجموعه مقالات اقتصادی، نظرات کارشناسان بازار و ... در ۶ ماه گذشته نگاهی دوباره بیندازیم، درمی‌یابیم که دولت هر چند با تأخیر، اما راهکارهای اقتصادی کارشناسان را تا حد زیادی عملیاتی کرده است و اصراری بر مواضع غلط خود نداشته است. شاهد مثال این ادعا نیز آزاد کردن نرخ دلار، شفاف‌سازی نرخ بازارها با راه‌اندازی سامانه‌های نیما و سنا، عدم تغییر جدی در سود بانک‌ها، تلاش برای هدایت پول‌های سرگردان به بازارهای رسمی و ... است.
درواقع هر روز راهکاری جدید برای رفع موانع اقتصادی پیشنهاد می‌شود ولی هیچ‌کدام تاکنون کارساز نبوده است و پس از لختی آرامش، بنزین مشکلات جدید بر آتش بحران ریخته شده است.
در اوایل خرداد گفت‌مان اصلی حاکم بر فضای مطبوعات اقتصادی، واقعی نبودن نرخ ارز و عدم تناسب رشد نرخ ارز با تورم بود و گفته می‌شد نرخ دلار واقعی نیست و دولت طی سال‌ها، فتر تورمی نرخ دلار را به زور پایین نگه داشته است و با آزادسازی نرخ ارز، قیمت‌های نجومی بازار آزاد به قیمت واقعی نرخ ارز (برآورد بین ۵ تا ۸ هزار تومان) نزدیک می‌شود.
اتفاقی که با آزادسازی نرخ ارز نیز نیفتاد و در بهترین ساعات معاملات، نرخ ارز را نزدیک به ۹ هزار تومان کرد اما این نرخ نیز دیری نپایید و به‌سرعت به آستانه ۱۱ هزار تومان نزدیک شد.
هنگامی‌که تئوری آزادسازی نرخ دلار آن‌طور که باید پاسخگو نبود، کارشناسان به دنبال دلیل قانع‌کننده دیگری بودند و اکنون پاسخ را در میزان نقدینگی اضافه شده و انباشت شده طی سال‌های اخیر می‌دانند و معتقد هستند نقدینگی حاصل از چاپ پول و تولید رقم‌های مالی (به دلیل ورشکستگی مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز، کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی و...) باعث تورم پنهان شده و اکنون فتر این تورم رها شده است.
در واقع طی سال‌های گذشته که نرخ اسمی تورم نزدیک به ۱۰٪ بوده است با میزان نقدینگی تناظر نداشته و حالا نقدینگی اثرات خود را در قالب تورم نشان داده است.
هم اکنون نیز راهکار نهایی بسیاری از اقتصاددانان آزادسازی کامل قیمت‌ها و حذف رانت تخصیص ارز هستند.

همه‌ی فرضیات اقتصادی اشاره شده تا حدی واقعیت‌های اقتصادی را بازگو می‌کنند اما از توضیح این عاجزند که چرا «حالا» همه این اتفاقات افتاده است؛ چرا حالا این فنرها رها شده‌اند؛ چرا افزایش نرخ دلار، مسکن، خودرو و... از نرخ تورم تبعیت نمی‌کند و حتی چرا تورم و نقدینگی در برهه‌هایی با یکدیگر تناظر ندارند؟
درواقع می‌توان گفت که اقتصاد از جامعه، فرهنگ، اعتماد عمومی، سیاست و سایر قلمروهای حوزه علوم انسانی متأثر است و پیچیدگی این حوزه‌ها نیز به قدری است که در قالب فرمول و عدد نمی‌گنجند و مدل‌های اقتصادی را با خطاهای فاحش روبرو می‌کنند.
درواقع به نظر می‌رسد برای تحلیل اقتصاد بایستی به حوزه اجتماع و جامعه‌شناسی هم سرک کشید تا به تحلیل‌های دقیق‌تری دست‌یافت.

هرچند در دنیا رشته‌ای به نام اقتصاد رفتاری با تکیه بر مباحث روان‌شناسی شناختی در حال تلاش برای تحلیل رفتارهای اقتصادی با روش‌شناسی خاص خود است و اصول کلاسیک علم اقتصاد را مورد انتقاد قرار می‌دهد اما با توجه به اینکه موضوع شناخت علم روانشناسی «فرد» است و به لحاظ علمی تا حد زیادی از توصیف و تبیین «رفتارهای جمعی» عاجز است بایستی از جامعه‌شناسی نیز در تبیین رفتارهای اقتصادی موجود در جامعه یاری گرفت^۱.

در بحث اقتصادی حاضر به نظر می‌رسد عدم اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی مهم‌ترین فاکتورهای اجتماعی تأثیرگذار در حوزه اقتصاد هستند. به‌عبارت‌دیگر از دست رفتن سرمایه اجتماعی باعث فرونی تقاضا، فرار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری، ایجاد انتظارات تورمی و ... شده است.

سرمایه اجتماعی و اقتصاد

سرمایه اجتماعی نوعی «سرمایه» غیرمادی تلقی می‌شود که هرچند به‌طور مستقیم ایجاد ثروت مادی نمی‌کند ولی برای یک جامعه ارزش‌آفرین است و می‌تواند به‌طور غیرمستقیم ظرفیت‌های سرمایه مادی و فرهنگی جامعه را بسط دهد.
برای مثال اگر اعتمادی بین فروشنده و خریدار نباشد و هر دو به صداقت یکدیگر مشکوک باشند، عدم کارکرد مناسب سرمایه اجتماعی این دو طرف، باعث می‌شود با معامل‌ای صورت نگیرد و با هزینه‌های جانبی معامله (مانند نوشتن قرارداد، اخذ تضمین، تحقیقات بازار و...) افزایش یابد و با کند شدن چرخه اقتصادی در ابعاد بزرگ، از سرمایه مادی جامعه بکاهد.

سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است که مربوط به شاخص‌هایی مانند اعتماد عمومی، تسهیل در روابط و تعاملات و مشارکت اعضای جامعه می‌شود.
پیر بورديو مشهورترین جامعه‌شناس این حوزه، سرمایه را به سه دسته سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند.

بورديو سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می‌دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد.
در واقع سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیررسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد.
هر شبکه اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و باتجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت‌پذیری و ... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند.
حتی برای موفقیت دسته‌جمعی در امور غیرقانونی هم، وجود سرمایه اجتماعی شرط است.
به عنوان مثال یک گروه از خلاف‌کاران (مثل گروهی دزد یا قاچاقچی) برای موفقیت در کار خود به سرمایه اجتماعی و هنجارهایی مانند: رفتارهای اخلاقی، قانون‌مداری، خطرپذیری و اعتماد متقابل در بین اعضای گروه، نیاز دارند.

دانشمندان و نظریه‌پردازان دیگری نظیر جمیز کلمن، گلن لوری، فرانسیس فوکویاما و ... نیز از زوایای دیگری به سرمایه اجتماعی نگریسته‌اند ولی وجه مشترک هرکدام بررسی کارکردهای سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی را از دو منظر می‌توان دید. اول حاصل جمع سرمایه غیرمادی و معنوی که به‌صورت مشارکت، اعتماد، همکاری و... در جامعه وجود دارد و دوم میزانی از سرمایه اجتماعی که هر فرد از سرمایه اجتماعی کل جامعه برخوردار است.
بنابراین ما با سرمایه اجتماعی جامعه و سرمایه اجتماعی هر فرد، نهاد، سازمان و... مواجه هستیم.
در بحران اقتصادی اخیر تا حدودی منطق حاکم بر علم

اقتصاد توضیح می‌دهد نقدینگی باعث تورم و افزایش نرخ دلار می‌شود ولی این منطق به تنهایی نمی‌تواند سایر فاکتورهای اجتماعی، سیاسی و روانی تأثیرگذار بر اقتصاد را در نظر بگیرد و توضیح دهد.
برای مثال در توضیح عوامل تشکیل دهنده تورم به متغیرهایی نظیر نقدینگی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، نحوه مدیریت ارز، افزایش قیمت‌های جهانی و ... به عنوان فاکتورهای اقتصادی اشاره می‌شود ولی «احساس» بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری، یک مبحث اجتماعی است.
در واقع بین «نامنی» و «احساس نامنی» تفاوتی اجتماعی نهفته است.
گفته می‌شود ترس از مرگ از خود مرگ ترسناک‌تر است و در شرایط اقتصادی شبه جنگی موجود که احساس ناامنی، عدم ثبات اقتصادی و ریسک، افزایش‌یافته است، افراد به خاطر ترس از تحریم، سرمایه‌های ریالی خود را به کالاهای ارزشمند مانند مسکن، ارزهای خارجی، خودرو، طلا و ... تبدیل می‌کنند.
در نتیجه یک عامل اجتماعی باعث ایجاد تقاضای کاذب برای خرید کالا و ارز می‌شود و درنهایت تورم شکل می‌گیرد.

مبحث پول‌های سرگردان نیز هرچند قابل توصیف با معیارهای اقتصادی است ولی منشأ آن را باید در ساختارهای سیاسی و اجتماعی جست و جو کرد و این سؤال‌ها را رسید که چرا اصلاً پول سرگردان ایجاد می‌شود؟ چرا از ابتدا مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز شکل می‌گیرند و چرا مردم ریسک سرمایه‌گذاری در این بانک‌ها را می‌پذیرند؟ چرا افراد به جای سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد ترجیح می‌دهند برای حفظ ارزش دارایی‌ی خود آن را تبدیل به دلار،طلا، مسکن و... کنند؟ چرا سرمایه‌گذاران خارجی ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را نمی‌پذیرند؟ چرا سخنرانی‌های دولتمردان برای آرامش بخشی به بازار نتیجه عکس دارد ولی یک توییت ترامپ کل بازار ارز ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این‌ها هرچند سؤالاتی با جنس اقتصاد هستند ولی پاسخگویی به آنها با منطق غیر اقتصادی و از جنس جامعه‌شناسی است.

چرا سرمایه اجتماعی کاهش یافته است؟

چندی پیش وزیر امور خارجه ایران در یک برنامه تلویزیونی در واکنش به سؤال مجری این برنامه مبنی بر این‌که مردم مدام می‌پرسند این‌همه کشور در دنیا هستند که روابط خوبی با دیگر کشورها دارند و فشاری بر روی آن‌ها نیست ولی چرا در مورد ایران این‌گونه است؛ گفت: «یک دلیل وجود دارد این است که ما خودمان انتخاب کردیم که یک‌جور دیگر زندگی کنیم».
پس از این مصاحبه موحی از انتقادات در فضای مجازی شکل گرفت که ما «خودمان انتخاب نکرده‌ایم». این تنها نوک کوه یخ احساس مردم نسبت به کنش‌های سیاستمداران است.
در واقع وقتی مردم نتوانند بین صحبت‌های رسمی مسئولین و زندگی عادی خود ارتباط معناداری بیابند، سرمایه اجتماعی جامعه دچار خدشه می‌شود.

در فضایی که غالب مردم احساس بیگانگی با سیاست‌های جاری کشور کنند، طبیعی است که اعتماد آن‌ها به رفتارهای سیاستمداران نیز دچار آسیب شود.
از طرف دیگر صداهای متناقض اقتصادی، تغییر مکرر سیاست‌های اقتصادی، تجربه‌های تلخ اقتصادی نه‌چندان دور به‌خصوص در سال‌های ۹۰ تا ۹۲، بی‌اعتباری تضمین‌های وعده داده شده و... همگی سرمایه اجتماعی دولت و حاکمیت در عرصه اقتصاد را کاهش می‌دهد تا جایی که عبارت «خیال مردم از بابت دلار راحت باشد» تبدیل به یک طنز در جامعه می‌شود و هر صحبت آرامش بخشی از طرف مسئولین حمل بر وجود یک آشوب پشت پرده می‌شود و بازارها را اتفاقاً متلاطم‌تر می‌کند.
از طرف دیگر هر روز

پرونده (اجتماعی)

خبر اختلاس یک مسئول، واردات غیرقانونی فلان آقازاده، مصاحبه یک ژن خوب، اعث ناامیدی مردم از اصلاح وضع موجود می‌شود و همه موارد یاد شده این پیام را می‌رساند که تاکنون وضع به‌قدر کافی بد نبوده است و « منظر بدتر از این‌ها باشید».

در چنین فضایی ترمیم سرمایه اجتماعی امری محال به نظر می‌رسد و نه‌تنها اصلاح ساختار اقتصادی بلکه هرگونه تغییر موثر اساسی را که نیاز به حمایت همه‌جانبه مردم باشد، محال نشان می‌دهد.

ترمیم سرمایه اجتماعی

پاسخ کاربردی به سؤال «چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را ترمیم کرد؟» جواب ساده‌ای نیست و به قول فرنگی‌ها یک پاسخ یک‌میلیون دلاری است. البته بسیاری از دولت‌ها ممکن است میلیاردها دلار برای جلب اعتماد عمومی هزینه کنند ولی درنهایت چیزی جز باد درو نکنند زیرا سرمایه اجتماعی با سرمایه مادی ایجاد نمی‌شود.

ترمیم سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیاز به زمان دارد. اصولاً اصلاح روندهای اجتماعی بسیار زمان‌بر هستند؛ راهکار سر راستی ندارند و با دیگر حوزه‌های کلان مانند سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... گره می‌خورند.
در یک روند طولانی مدت، سرمایه اجتماعی وقتی ترمیم خواهد شد که جامعه احساس واقعی مشارکت در عرصه مدیریت سیاسی داشته باشد، تصمیم‌های سیاستمداران را تصمیم‌های صحیح ببیندارد و استراتژی‌های کلان سیاسی را به‌صورت درونی قبول داشته باشد.
از طرف دیگر افزایش سطح مشارکت سیاسی شرط لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی است ولی شرط کافی نیست و باید به کیفیت مشارکت نیز توجه کرد.

در دیگر حوزه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی مانند فرهنگ و اقتصاد نیز نیاز به اقدامات جدی همدلانه است.
در جنبه‌های فرهنگی، باز کردن فضای تنفسی حوزه عمومی ضروری است به گونه‌ای که افراد جامعه بتوانند بدون مانع با یکدیگر گفت‌وگو کنند، رسانه‌ها آزادی عمل داشته باشند و بتوانند راه صحیح را برای جامعه ترسیم کنند.برای بازگشت سرمایه اجتماعی همچنین بایستی فضای مشارکت، اعتماد، همکاری و مفاهمه در بستر فرهنگی جامعه شکل گیرد و نهادهای صنفی و مردم‌نهاد، قدرت خود را باز یابند. همچنین به‌جای وضع قوانین جدید اقتصادی، بایستی بر اجرای قوانین «نظارت» کرد تا از رانت، رشوه، احتکار، اختلاس و... جلوگیری گردد.

درنهایت باید گفت سرمایه اجتماعی و به تبع آن اقتصاد اصلاح نمی‌شود مگر اینکه اعتماد عمومی تقویت شود و اعتماد عمومی تنها در صورتی تقویت می‌شود که «همه» بخواهند!

منابع:

- «مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن»، معصومه حق شناس، دو ماهنامه حدیث زندگی، شماره ۲۷
- «نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه شناسی»، محمد علی امجدیان، وبگاه جامعه شناسی، فروردین ۱۳۹۰

- https://www.isna.ir/news/96072715421
- https://www.yjc.ir/fa/news/6504249
- "A Behavioral Framework for Securities Risk". ssrn.com. SSRN 2040946
- Sander,Thomas. "About Social Capital". Saguaro Seminar: Civic Engagement in America. John F. Kennedy School of Government at Harvard University. Retrieved December 2,2015
- DeFilippis,James (200101-01-). "The myth of social capital in community development." Housing Policy Debate

۱. اگر به بنیادی‌ترین مفهوم اقتصاد یعنی پول هم دقت کنیم باز تأثیر فاکتورهای اجتماعی بر آن غیرقابل انکار است. در واقع در مفهوم فلسفی، پول به عنوان یک واسطه نمادین است و این قرارداد اجتماعی افراد یک جامعه است که به آن ارزش مبادله‌ای می‌دهد و اگر افراد یک جامعه تصمیم بگیرند مثلاً به‌جای اسکناس، صدف وسیله مبادله باشد واحد مبادله در آن جامعه از اسکناس به صدف تغییر می‌کند.

تورم و بحران اقتصادی

ا تا دو دهه پیش تورم مسئله بسیاری از کشورهای دنیا بود. در یک دهه قبل این موضوع به مسئله اساسی کشورهای در حال توسعه و جهان سومی بدل شد؛ اما امروز مسئله تورم‌های بالا فقط مختص چندی از کشورهای معدود در دنیاست که متاسفانه ایران نیز جزء این دسته معدود است. طی دهه‌های گذشته در اقتصاد ایران، همواره نرخ‌های تورم دو رقمی به بالا و بی ثبات تجربه شده است. تجربه ناموفق ایران در این زمینه تحت شرایطی است که کشورهای بسیاری، موفق به کنترل تورم از طریق اعمال و اجرای سیاست‌های مناسب و منسجم شده‌اند. در ادامه چند نمونه از تجارب موفق در مواجه با تورم و بحران اقتصادی مرور می‌شود.”

آلمان

حساسیت آلمان بر لزوم استقلال بانک مرکزی این کشور به حدی است که منتقدان با عناوینی چون «وسواس آلمانی» و «فوبیای ناشی از تورم»، از سیاست آلمان در قبال بانک مرکزی یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد حساسیت ژرمن‌ها در عدم دست‌اندازی دولت در خط‌مشی بانک مرکزی ریشه در تجربیات ناخوشایندی دارد که آلمان‌ها در سال‌های پس از جنگ جهانی اول پشت سر گذاشتند.

در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۲۰ فشار دولت باعث چاپ بی‌رویه اسکناس شد؛ اقدامی که در نهایت باعث ایجاد روند کم‌سابقه‌ای در صعود تورم در این کشور گشت. اگرچه هدف آلمان از تضعیف واحد پول خود، افزایش توان رقابتی محصولات صادراتی‌اش بود؛ اما این سیاست در عمل باعث تبدیل مارک آلمان به کاغذی بی‌ارزش شد. طی سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ سطح قیمت‌ها در این کشور در هر ماه به طور میانگین ۴ برابر افزایش می‌یافت، واحد خرید و فروش در این کشور طی سال‌های یادشده عملاً به «یک گونی مارک» تغییر پیدا کرده بود. مردم مجبور بودند دستمزد خود را در چمدان حمل کنند و کارمندان رستوران، تقریباً هر نیم ساعت مجبور به تغییر قیمت منوهای رستوران بودند. اوضاع در ماه‌های ابتدایی سال ۱۹۲۲ در این کشور به حدی وخیم گشت که مردم برای گرم شدن خانه‌های خود اقدام به سوزاندن اسکناس کردند. در این دوره از تاریخ آلمان، بعضاً مبادله کالا با کالا تبدیل به یکی از راهکارهای اساسی مردم برای گریز از وضعیت اسفناک اقتصادی شده بود. نرخ برابری پول آلمان که در سال ۱۹۱۴ معادل ۴/۲ مارک به ازای هر دلار بود در سال ۱۹۲۳ به ۴/۲ هزار میلیارد مارک به ازای هر دلار رسید. به این ترتیب سیاست تضعیف مارک عملاً به مرگ واحد پول آلمان منجر شد.

چگونه موج مخرب تورم در آلمان مهار گشت؟

استقلال بانک مرکزی سد مهار «اُبرتورم آلمان‌ها بود. خارج کردن بانک مرکزی از منابع رفع کسری بودجه دولت در کنار اصلاحات پولی بیشترین تأثیر را در مهار موج ابرتورم در آلمان داشت. آغاز دوران مهار ابرتورم در آلمان را می‌توان روزهای پایانی سال ۱۹۲۳ دانست؛ یعنی زمانی که دولت با معرفی واحد پول جدید «رنتن مارک» سعی داشت اعتماد از دست رفته ژرمن‌ها به واحد پول ملی را بازگرداند. واحد پولی جدید به پشتوانه وام‌های کشتاورزی و مسکن و با توانایی بستن مالیات بر وثیقه آن‌ها حمایت می‌شد. آلمانی‌ها با وسواس شدید اقدام به انتشار واحد پولی جدید کردند. واحد پولی جدید آلمان که به پشتوانه طلا و تحت یک روند شدیداً کنترلی منتشر گردید، مارک‌های متورم شده آلمان در دوران ابرتورم را به زباله‌دان تاریخ سپرد.

درواقع اولویت به استقلال بانک مرکزی و کنار گذاشتن ملاحظات سیاسی، پادزهری بود که نخبگان اقتصاد آلمان در پاسخ به شرایط بحرانی آن روزها به بدنه اقتصاد خود تزریق کردند.



مجارستان

از نگاه بسیاری مورخین ابرتورم مجارستان، بدترین ابرتورم تاریخ است. ابرتورم مجارستان مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم و با نابودی تمام زیرساخت‌های این کشور آغاز شد. علت اصلی این اتفاق عدم تناسب انتشار پول و تولید ملی بود. این عدم تناسب کم‌کم قیمت‌ها را به صورت غیر قابل باوری افزایش داد.

در طول این دوره، نرخ تورم روزانه در کشور، به بیش از ۱۹۵ درصد رسید. قیمت‌ها تقریباً ر ۱۵–۱۶ ساعت یک بار دو برابر افزایش می‌یافت. به طوری که در سال ۱۹۴۶ ارزش تمامی اسکناس‌های در گردش مجارستان ارزشی برابر با ۱۰۰۰ دلار آمریکا پیدا کرد. شرایط اقتصادی چنان بغرنج گشت که دولت به اجبار، واحد پولی خاصی را برای دریافت مالیات و دستمزدها تعیین کرد. در آن زمان اعلام تفاوت این دو قیمت، به مردم، از طریق رادیو انجام می‌پذیرفت.

اما دولت و مردم مجارستان چگونه این ابرتورم را مهار کردند؟ با تغییر واحد رسمی پول: میلپنگو (۱ میلیون



امین بهبودی متصدی شعبه مشهد • بانک خاورمیانه

پنگو) به جای پنگو (واحد پولی مجارستان) به عنوان پول رسمی انتخاب شد. بعد از مدتی دولت با کاهش انتشار اسکناس و گرفتن مالیات بیشتر واحد جدید خود را معتبر ساخت. بیلپنگو (۱ میلیارد پنگو) را به عنوان واحد پولی جدید انتخاب کرد. تغییر واحد پول چندین بار تکرار شد، هر بار با افزایش مالیات، کاهش انتشار اسکناس و افزایش تولید ملی و کاهش آسیب‌های حاصل از جنگ تقویت گردید. سرانجام وضعیت به حالت اولیه بازگشت و ابرتورم مجارستان نیز از بین رفت.

ترکیه

در دهه ۷۰ میلادی، ترکیه روزگار دشواری را سپری می‌کرد. نرخ تورم در این کشور به رقم بی‌سابقه رسید. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ سیر صعودی تورم کاهش یافت؛ اما طی ۱۱ سال یعنی تا ۱۹۹۷ رشد قیمت‌ها همه را کلافه کرد. تورم در اقتصاد این کشور ریشه دوانده بود و در سال ۱۹۸۰ تورم ۱۱۰ درصدی زنگ خطر را به صدا درآورد. مقامات آنکارا نگران آینده بودند. رشد اقتصادی ۴ تا ۶ درصد توام با تورم بالای ۴۰ درصد شوخی بردار نبود. ورشکستگی‌های پی‌درپی، افت شدید کیفیت کالاهای تولید شده و حذف از بازار جهانی، شکاف طبقاتی و البته کاهش درآمدهای مالیاتی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین هزینه‌های سرسام‌آور دولتی تنها بخشی از پس لرزه‌های شکست اقتصادی ترکیه بود؛ اما ترک‌ها برای رهایی از این بحران چه کردند؟

اصلی‌ترین مشکل ترک‌ها هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی پنداشته شد. بدنه دولت در برابر کاهش هزینه‌های جاری مقاومت می‌کرد؛ ولیکن دولت این سختی را به جان خرید و انضباط شدیدی را بر رفتار مالی خود حاکم کرد. در سال ۲۰۰۰ میلادی مقامات بانک مرکزی برای کاهش نرخ تورم در این کشور برنامه سالانه خود را ارائه و اجرا کردند. موضوع کلیدی کاهش هزینه‌های دولتی و تشویق بخش خصوصی برای ایجاد کار و سرمایه‌گذاری مولد بود. مسوولان ترکیه با اتکا به اعتبار ۱۶/۲ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول، اصلاحات اقتصادی و برنامه‌های مالی خود را با سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی بانک‌ها، صنایع و بخش‌های خدمات دولتی، محدود کردند. همچنین دولت، کنترل مخارج عمومی را برای جلوگیری از کسری بودجه و کنترل دستمزدها به اجرا گذاشتند. آن‌ها با این کار توانستند از طریق اصلاح نظام پولی و مالی، کاهش نرخ تورم و نرخ بهره، ثبات اقتصادی را در این کشور برقرار کنند و متعاقب آن رشد اقتصادی را افزایش دهند. همراهی دولت با بانک مرکزی باعث شد تا ابزارهای مختلف بانک مرکزی برای مهار تورم جواب داده و به جای تعیین دستوری نرخ ارز با اجرای سیاست ارز شناور، امکان جلوگیری از نوسانات شدید نرخ ارز و شوک‌های احتمالی به وجود آمد.

نرخ تورم در پایان سال ۲۰۰۲ به ۴۴/۹ درصد رسید، در حالی که نرخ هدف‌گذاری شده ۴۵ درصد بود. در پایان سال ۲۰۰۳ نرخ محقق شده ۱۸/۴ درصد و نرخ هدف ۲۰ درصد بود. در پایان سال ۲۰۰۴ تورم به ۹/۳ درصد رسید در حالی که نرخ هدف‌گذاری شده ۱۲ درصد بود و در نهایت برای سال ۲۰۰۵ این نرخ به ۷/۷ درصد کاهش یافت در حالی که نرخ هدف‌گذاری شده ۸ درصد بود. در ژانویه ۲۰۰۵ مردم ترکیه با حذف ۶ صفر بی‌ارزش از روی اسکناس‌های خود مواجه شدند. با این کار اگرچه مردم به لحاظ روانی مغیون گشتند؛ اما با واقعیت کنار آمدند.

برزیل

برزیل در دهه‌های هفتاد تا نود میلادی با مشکل ابرتورم روبرو شد. دولت به‌طور بی‌رویه‌ای پول چاپ می‌کرد. رشد نقدینگی از کنترل خارج شده بود و نرخ تورم هم سالانه از ۱۰۰ تا ۲۴۰۰ درصد رسید. تلاش روسای جمهوری مختلف برزیل نیز برای کنترل مشکل تورم بی‌نتیجه ماند. برخی از رهبران برزیل تا جایی پیش رفتند که حتی پس‌اندازهای برزیلی‌ها را مسدود کردند تا از این طریق تقاضاها برای خدمات و خرید کالا را کاهش دهند. در سال ۱۹۹۴، مقام‌های کشور برزیل پس از دهه‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با مشکل ابرتورم، بالاخره موفق شدند نرخ تورم را مهار کنند. اما برزیلی‌ها برای خروج از این شرایط چه کردند؟

اقتصاددان‌ها پس از بررسی پیشینه تورم در برزیل، متوجه شدند، باید اقدامی فراتر از اصلاح سیاست‌های پولی و مالی انجام دهند. در حقیقت برزیلی‌ها به نرخ بالای تورم عادت کرده بودند و به همین علت همواره در انتظار بالا رفتن قیمت‌ها بودند. مردم بدون آنکه توجهی به تورم واقعی داشته باشند قیمت‌ها را افزایش می‌دانند. برای مثال در نوشتن قرارداده‌ا، افزایش قیمت‌ها هم محاسبه می‌شد. همین انتظار خود عاملی سر تورم فزاینده بود. با توجه به این پیشینه، اقتصاددانان دریافتند مهار تورم مستلزم تغییر انتظارات مردم است.

دولت برزیل با اجرای طرحی موسوم به «برنامه رئال» واحد رایج غیر پولی جدید و با ثباتی را ایجاد کردند که مردم پیش‌داوری و ذهنیتی درباره آن نداشتند. این واحد که یوآروی^۱ نام داشت با ارزش دلار هماهنگ شده بود. اینکار عمل در آن بود که این واحد غیر پولی به شکل سکه و پول نبود. یوآروی در واقع یک پول مجازی بود. در آن زمان کروزیو رئال، پول رایج برزیل برای خریدوفروش به حساب می‌آمد؛ اما همه چیز، از قیمت شیر گرفته تا حقوق کارمندان دولت، بر اساس یوآروی محاسبه و گزارش می‌شد. در این راستا، همه قرارداده‌ا، مدارک بانکی و گزارش‌های دولتی بر اساس یوآروی تنظیم و هر روز دولت نرخ برابری کروزو رئال را با یوآروی منتشر می‌کرد. در نتیجه ارزش یو آر وی ثابت ماند.

- URV (Unidade Real de Valor)

وجود یو آر وی به رهبران برزیل امکان داد تا به‌طور تدریجی به قیمت‌ها ثبات بخشند و مانع از بروز فراز و فرودهای ناگهانی شود. فراز و فرودهایی که پیش‌تر در بی اجرای سیاست‌های قیمت‌گذاری بروز می‌کرد. در نهایت این مرحله انتقالی باعث شد، برزیلی‌ها دیگر انتظار ابرتورم را نداشته باشند و آماده پذیرش واحد پولی جدید در فضای با ثبات ارزی کشورشان باشند. چندین ماه بعد، برزیلی‌ها به قیمت‌های پایدار عادت کرده، دیگر منتظر افزایش قیمت‌ها نبودند. در این حین دولت اعلام کرد واحد پول جدید این کشور رئال خواهد بود که بر اساس یو آر وی، ارزش‌گذاری شده بود.

انتظارات و ذهنیت مردم نسبت به وجود ابرتورم تنها مشکل برزیل نبود. در واقع علت اصلی که باعث کارآمدی راه حل یوآروی شد، اصلاحات همراه آن بود، به گونه‌ای که اعتماد را به مدیریت اقتصادی دولت بازگرداند. در این دوره، درهای اقتصاد برزیل بر روی واردات و سرمایه‌گذاری خارجی باز شد و کاهش گمرک و اصلاح دیگر قوانین مربوطه این روند را هموارتر ساخت. خصوصی‌سازی شرکت‌ها و بانک‌ها نیز از دیگر اقدامات دولت برزیل بود؛ البته خصوصی‌سازی واقعی بدون دخالت دولت. اقتصاددانان این اقدام را گام مهمی برای جلوگیری از دسترسی آسان دولت به نقدینگی می‌دانند. علاوه بر اقدامات فوق، بودجه‌ای متعادل نیز برای دولت فدرال تدوین شد تا به دهه‌ها قرض گرفتن و چاپ پول که به ابرتورم انجامیده بود، پایان داده شود. همچنین با افزایش مالیات‌ها درآمدهای دولت با مصارف هماهنگ گردید. بانک مرکزی برزیل، نرخ بهره را افزایش داد تا نقدینگی افزوده را به سمت سرمایه‌گذاری سوق دهد و سرمایه خارجی را برای بالابردن ذخیره ارزی جذب کشور کند.

برنامه ثبات قیمت‌ها موفقیت‌آمیز بود. برزیل بدون آنکه به رکود اقتصادی دچار شود تورم را مهار کرد. نرخ تورم به کمتر از ۲۰ درصد رسید و در این سطح ثابت ماند. به‌طوری که تورم در برزیل از سال ۲۰۰۴ زیر ۱۰ درصد بوده است؛ البته نباید از یاد برد که همه گروه‌ها دوره اصلاحات اقتصادی را با موفقیت طی نکردند. شرکت‌هایی که نمی‌توانستند با اصلاحات همراه شوند و در سطح بین‌الملل به رقابت بپردازند تعطیل شدند. بسیاری نیز کارشان را از دست دادند. این را هم باید در نظر گرفت که بیشتر مردم مشاغل بهتری پیدا کردند که با اقتصاد در حال رشد برزیل هماهنگی بیشتری داشت. با اینکه برزیل هنوز با چالش‌های اقتصادی متعددی روبروست؛ اما این کشور توانسته است مشکلاتش را به‌وسیله اقتصاد مدرن مدیریت کند.

پرونده (تاریخی)

جمع‌بندی

هر چند کشورهای یادشده تفاوت‌های زیادی با کشور ما دارند؛ اما درک بهتر تلاش‌های آن‌ها برای مهار تورم، بسیار ارزشمند خواهد بود. در واقع می‌توان گفت، در این کشورها، مجموعه‌ای از نظرات کارشناسی، سیاست‌های مناسب پولی و مالی، خصوصی‌سازی، اقتصاد باز و نیز به‌کارگیری چند ابتکار عمل، آن‌ها را قادر ساخت تا بر مشکل تورم چیره شوند.

طرح اصلاح اقتصادی کشورهای یاد شده موفقیت آمیز بود؛ زیرا این برنامه با توجه به وضعیت خاص و تاریخ اقتصاد آن‌ها تنظیم شده بود. هر چند که این برنامه‌ها کاملاً برای ایران قابل اعمال نیست؛ اما به هر حال نکات بسیاری هست که می‌توان از این دست تجارب آموخت.

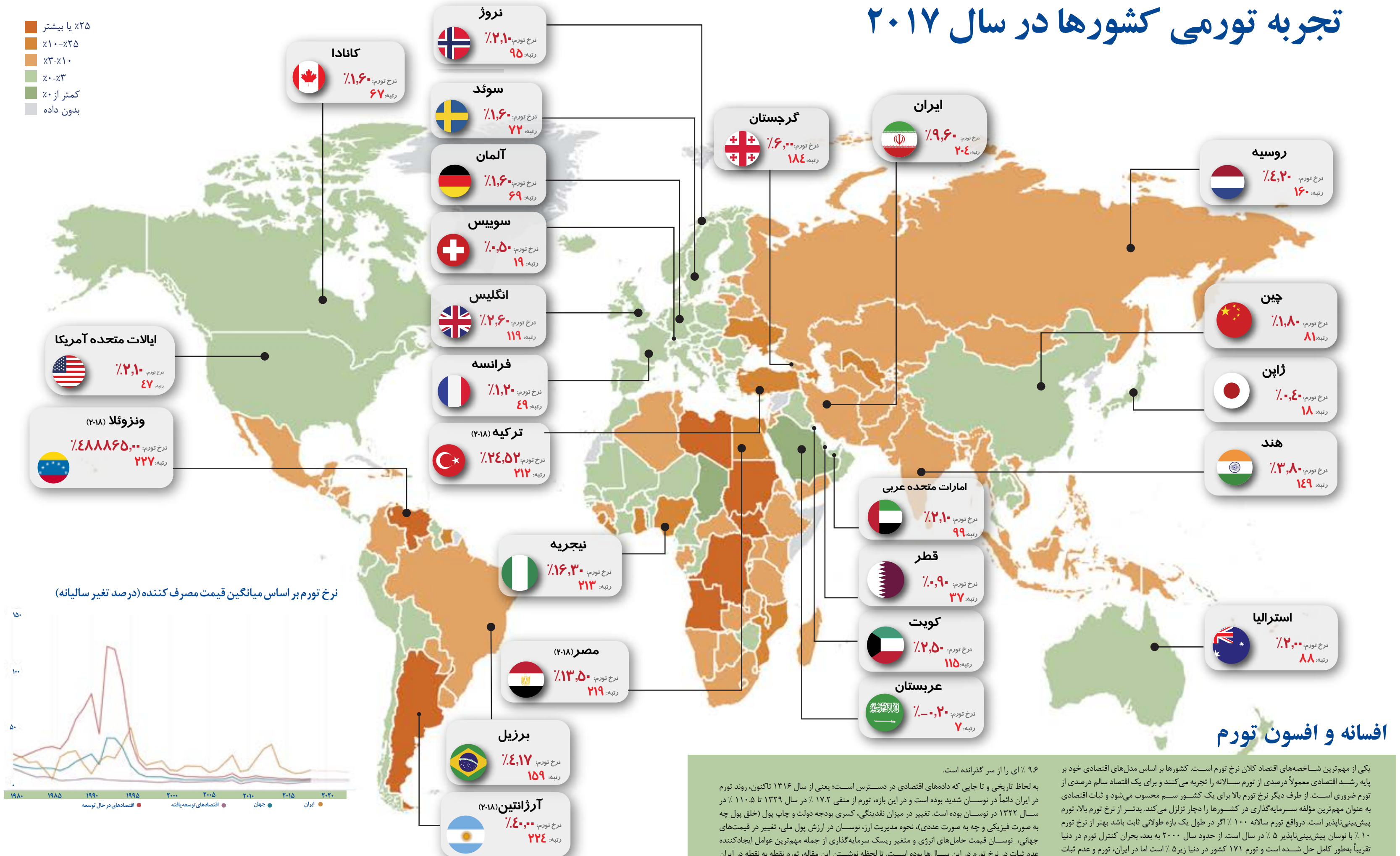
استقلال بانک مرکزی امری ضروری است. این استقلال باعث می‌شود سیاستمداران نتوانند تلاش برای ثبات اقتصادی را منحرف کنند. زمانی که هدف مهار تورم است، انتظارات و ذهنیت‌ها بسیار مهم خواهد بود. مادامی که مردم باور نداشته باشند، تورم مهار خواهد شد، قیمت‌ها پائین نخواهد آمد. خصوصی‌سازی و فضای باز اقتصادی باید به عنوان ابعدی کلیدی در برنامه ثبات اقتصادی در نظر گرفته شوند.اگر کشورهای یاد شده زیر بار تحریم‌هایی بودند که ما با آن‌ها روبرو هستیم، اصلاحات ممکن بود کاملاً موفقیت‌آمیز نشوند. تنها یک راه ساده برای حل مشکل تورم وجود ندارد. کنترل تورم مستلزم رویکردی فراگیر و کلان است. اصلاحات، به‌طور خاص در کوتاه مدت، به گروهی از اقشار و شرکت‌ها بیش از دیگران آسیب خواهد رساند و ما باید به فکر کمک به این گروه که در جریان اصلاحات آسیب دیده‌اند باشیم؛ اما باید این موضوع همواره مد نظر باشد که نمی‌توان هم وضعیت موجود را حفظ کرد و هم به اقتصادی باثبات‌تر دست یافت.

منابع

- https://www.economist.com
- https://donya-e-eqtasad.com
- https://www.businessinsider.com
- http://www.v-brazil.com
- https://www.businessinsider.com



تجربه تورمی کشورها در سال ۲۰۱۷



افسانه و افسون تورم

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصاد کلان نرخ تورم است. کشورها بر اساس مدل‌های اقتصادی خود بر پایه رشد اقتصادی معمولاً درصدی از تورم سالانه را تجربه می‌کنند و برای یک اقتصاد سالم درصدی از تورم ضروری است. از طرف دیگر نرخ تورم بالا برای یک کشور سم محسوب می‌شود و ثبات اقتصادی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه‌گذاری در کشورها را دچار تزلزل می‌کند. بدتر از نرخ تورم بالا، تورم پیش‌بینی‌ناپذیر است. درواقع تورم سالانه ۱۰٪ اگر در طول یک بازه طولانی ثابت باشد بهتر از نرخ تورم ۱۰٪ با نوسان پیش‌بینی‌ناپذیر ۵٪ در سال است. از حدود سال ۲۰۰۰ به بعد، بحران کنترل تورم در دنیا تقریباً به‌طور کامل حل شده است و تورم ۱۷۱ کشور در دنیا زیر ۵٪ است اما در ایران، تورم و عدم ثبات آن به یک مشکل ثابت تاریخی تبدیل شده است. در سال ۲۰۱۷، میانگین تورم در جهان ۳٪ و برای کشورهای توسعه‌یافته به لحاظ اقتصادی ۱٫۷٪ بوده است. این نرخ حتی برای کشورهای در حال توسعه ۴٪ بوده است ولی ایران در همین سال (که اتفاقاً در دوران نسبتاً خوب تورمی به سر می‌برده است) تورم

۹٫۶٪ ای را از سر گذرانده است.

به لحاظ تاریخی و تا جایی که داده‌های اقتصادی در دسترس است؛ یعنی از سال ۱۳۱۶ تاکنون، روند تورم در ایران دائماً در نوسان شدید بوده است و در این بازه، تورم از منفی ۱۷٫۲٪ در سال ۱۳۲۹ تا ۱۱۰٫۵٪ در سال ۱۳۲۲ در نوسان بوده است. تغییر در میزان نقدینگی، کسری بودجه دولت و چاپ پول (خلق پول چه به صورت فیزیکی و چه به صورت عددی)، نحوه مدیریت ارز، نوسان در ارزش پول ملی، تغییر در قیمت‌های جهانی، نوسان قیمت حامل‌های انرژی و متغیر ریسک سرمایه‌گذاری از جمله مهم‌ترین عوامل ایجادکننده عدم ثبات در نرخ تورم در این سال‌ها بوده است. تا لحظه نوشتن این مقاله، تورم نقطه به نقطه در ایران ۲۴٫۲٪ است و به نظر می‌رسد به علت موارد ایجادکننده تورم که پیش‌تر به آن اشاره شد؛ به علاوه سرکوب نرخ تورم در سال‌های اخیر و همچنین کاهش سرمایه اجتماعی، تورم رقم‌هایی به مراتب بالاتر از رقم فعلی را برای سال منتهی به ۱۳۹۸ به خود ببیند.

جمع‌آوری داده و تنظیم: سینا زارعی. کارشناس مدیریت ارتباطات. بانک خاورمیانه
طراح گرافیک: حنانه نیازمند و بانوبیکلری

۱- صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۷) ۲- بانک مرکزی ایران

3- <http://www.jamejamonline.ir> 4- https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_inflation_rate

از تئوری تا واقعیت

کاربردهای بلاک‌چین برای دولت‌ها

۱۱اوایل شهریور ۹۷، ارز رمزنگاری شده ملی ایران بر پایه بلاک‌چین از سوی مدیرعامل شرکت خدمات انفورماتیک معرفی شد. جدا از موضع‌گیری‌های مختلف صورت گرفته در قبال این محصول، این خبر حداقل حاکی از آن است که دولت‌مردان ایرانی به صورت عملی وارد صحنه شده‌اند که این می‌تواند راه‌گشای استفاده از بلاک‌چین در سایر بخش‌های دولتی نیز باشد؛

کاربردهای بلاک‌چین برای دولت‌ها

به‌صورت تئوریک فن‌آوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه‌های مختلف مانند ثبت سوابق سلامت افراد، ثبت سوابق مجرمان، ثبت اطلاعات هویتی، ردیابی منشأ پول و مبارزه با تولیدات تقلبی، رای‌گیری‌ها، صدور مجوزهای دولتی مانند گواهینامه رانندگی، صدور ویزا، ثبت سوابق خریداران سهام و غیره کاربرد داشته باشد. بلاک‌چین کمک کرده است تا در تمام این زمینه‌ها لزوم نهاد اطمینان‌ساز از بین رفته و تمامی ارگان‌های مختلف در یک بستر امن و بر اساس یک مدل توافقی نتیجه‌نهایی را ایجاد کنند. در ادامه به بررسی چند مورد از این کاربردها پرداخت شده است.

بلاک‌چین‌ها می‌توانند فرآیندهایی که در آن نیاز به تایید چند ارگان مختلف است را تسهیل کنند. به‌عنوان مثال برای برگزاری یک کنسرت موسیقی نیاز به اخذ مجوزهای متعدد از اورژانس، پلیس، وزارت کشور، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و غیره است. با ایجاد شبکه‌ای شامل تمامی اعضای ذربط، می‌توان فرآیندی تعریف کرد که ابتدا در آن متقاضی نسبت به ایجاد درخواست برگزاری کنسرت (ایجاد تراکنش) اقدام نماید. این درخواست در اختیار تمامی اعضای شبکه (همان ارگان‌هایی که مجوز را صادر میکنند مانند پلیس، اورژانس و سایرین) قرار می‌گیرد. درخواست (تراکنش) وقتی معتبر خواهد شد که تمامی اعضای شبکه آن را تایید کنند و در واقع معتبر شدن این تراکنش مجوز نهایی اجرای برنامه خواهد بود.

همچنین بلاک‌چین‌ها می‌توانند در زمینه ثبت اطلاعات صاحبان املاک مفید باشند. با تعریف شبکه‌ای شامل شهرداری، اداره مالیات، اداره ثبت‌احوال، اداره پست و غیره می‌توان فرآیندی تعریف کرد که انتقال اسناد مالکیت در این بستر و با حذف واسطه‌ها صورت گیرد.^۱

یکی دیگر از کاربرد مهم بلاک‌چین در فرآیندهایی است که ارگان‌های کشورهای مختلف در آن درگیر باشند مانند صدور روادید که عموماً وقت‌گیر و طاقت‌فرسا است. برای صدور روادید سفارتخانه‌ها به مدارک و استعلام‌های مختلفی نیاز دارند. حال فرض کنید شبکه‌ای بر پایه بلاک‌چین ایجاد شده که اعضای آن سفارتخانه‌ها، دفاتر ثبت‌احوال، دفترخانه‌های رسمی، اداره پلیس مهاجرت، پلیس بین‌الملل، هتلها و ایرلاین‌ها هستند. متقاضی ویزا درخواست و اطلاعات خود را ثبت کرده (تراکنش را ایجاد میکند) و پس از بررسی توسط هر ارگان و تایید همه‌ی اعضا ویزا صادر می‌شود (تراکنش تایید می‌شود).

تفاوت شبکه‌های مبتنی بر بلاک‌چین با سایر شبکه‌ها در تمامی مثال‌های قبلی، راه‌حل بلاک‌چین ایجاد یک

شبکه محدود از ارگان‌های ذربط است که در آن هر

درخواست با تایید همه‌ی اعضا معتبر می‌گردد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است مگر بدون بلاک‌چین نمی‌توان چنین شبکه‌ای ایجاد کرد؟ شبکه‌های مبتنی بر بلاک‌چین چه تفاوتی با دیگر شبکه‌ها دارد؟ پاسخ این سوال‌ها در قدرت بالای اطمینان بخشی این فن‌آوری نهفته است.

بلاک‌چین کمک می‌کند تا اطلاعات به‌صورت غیر متمرکز ذخیره شده و به‌صورت مشابه در دسترس تمام اعضا باشد. این یعنی هر عضو به تنهایی مانند یک پایگاه داده عمل می‌کند و امکان ندارد اطلاعاتی ایجاد و یا تغییر کند مگر اینکه تمامی اعضا آن را تایید کنند.

اما در شبکه‌هایی که پایگاه داده متمرکز دارند، این امکان وجود دارد که مالک پایگاه داده و یا هکرها اقدام به تغییر اطلاعات و سوء استفاده بدون اطلاع دیگران بکنند. مزیت بلاک‌چین این است که بر پایه آن می‌توان شبکه‌ای ایجاد کرد که تمامی اعضا مشترکاً مالک اطلاعات باشند و تنها با یک توافق کامل، امکان ایجاد و یا تغییر اطلاعات وجود داشت باشد.^۲

روند عمومی استفاده از بلاک‌چین توسط دولت‌ها در دنیا

کشورهای پیشرو به‌صورت عملی استفاده از محصولات مبتنی بر بلاک‌چین را آغاز کرده‌اند. اخیراً دفتر حفاظت از مالکیت معنوی اتحادیه اروپا^۱ اعلام کرد که سالانه حدوداً ۶۰ میلیارد یورو صرف مبارزه با تولیدات تقلبی می‌شود و از استارت‌آپ‌ها درخواست کرد تا راه‌حل مبتنی بر بلاک‌چین ارائه کنند. برنده این فراخوان شرکتی ایتالیایی بود که طرح دوقلوی مجازی^۲ را ارائه کرده است. در این طرح به ازای هر کالای تولید شده یک دوقلوی مجازی در شبکه بلاک‌چین محور ایجاد می‌شود.

از آنجا که این دوقلوی مجازی به هیچ عنوان قابل تغییر نیست و از امنیت بالایی برخوردار است می‌تواند بعنوان سنجه هنگام دریافت محصول قرار گیرد (دریافت کننده محصول مشخصات محصول را با دوقلوی مجازی آن مطابقت می‌دهد). در مثالی عملی دیگر حزب لیبرال کشور دانمارک برای اولین بار رای‌گیری داخلی خود را در یک پلتفرم مبتنی بر بلاک‌چین انجام داده است.

اما به‌طور عمومی مطالعه رویکرد کشورهای پیشرو در

۲. نقوذ کردن به یک شبکه معمولاً با حمله به پایگاه داده اصلی متمرکز صورت می‌گیرد. در شبکه‌های مبتنی بر بلاک‌چین هر عضو دارای یک پایگاه داده مشابه با سایر اعضاست. بنابراین برای تغییر اطلاعات لازم است تا هکر به پایگاه داده تمامی اعضا به صورت همزمان حمله کند که کار بسیار مشکلی است و هر چه تعداد اعضا بیشتر باشد امکان هک کردن سخت‌تر می‌شود.

3-European Union Intellectual Property Office (EUIPO)
4-Virtual Twin

به‌کارگیری بلاک‌چین‌ها نشان می‌دهد که یک فرآیند چهار مرحله‌ای برای استفاده از این تکنولوژی در نظر گرفته شده است. این چهار مرحله به ترتیب عبارت‌اند از:

تخصیص بودجه‌های تحقیقاتی و توزیع آن بین ارگان‌های مختلف دولتی؛ در این فاز بودجه عمومی مشخص شده و طی مکانیزمی در میان چند نهاد مختلف توزیع می‌گردد. در حال حاضر نهادهای فعال در حوزه خدمات عمومی مانند سلامت و همچنین نظام‌های پرداخت بیشترین تمرکز را دارا هستند.

طرح موضوع و انعقاد قرارداد: نهادهایی که بودجه‌ی تحقیقاتی را اخذ کرده‌اند نسبت به طرح مشکل جاری خود اقدام کرده و از استارت‌آپ و شرکت‌های فعال درخواست می‌کنند تا راه‌حلهای مبتنی بر فن‌آوری بلاک‌چین ارائه کنند.

آزمایش در مقیاس کوچک: پس انعقاد قرارداد و ساخت محصول، در یک مقیاس کوچک دولتی محصول مورد نظر تست می‌شود.

قانون‌گذاری و اجرای سراسری محصول: پس از انجام اصلاحات نهایی محصول بر اساس آزمایش‌های صورت گرفته در مقیاس کوچک، نهادهای قانونی ضوابط و شیوه‌نامه‌های اجرایی را تنظیم و ابلاغ می‌کنند.

لازم به ذکر است بیشتر کشورهای پیشرو برخی از پروژه‌های خود را از مرحله اول و دوم عبور داده و وارد فاز سوم کرده‌اند و پس از پایان این فاز احتمالاً از سال‌ای آتی شاهد به‌کارگیری بلاک‌چین در سطوحی گسترده‌تر توسط دولت‌ها خواهیم بود.

منابع

1-Svein Ølnes, Jolien Ubacht, Marijn Janssen (2017). “Blockchain in government: Benefits and implications of distributed ledger technology for information sharing”. Retrieved from www.elsevier.com/locate/govinf.
2-Atzori, M. (2015). “Blockchain technology and decentralized governance: Is the state still necessary?” Retrieved from www.ssrn.com.
3-Tom Macaulay (2018), “How governments around the world are using Blockchain”. Retrieved from www.computerworlduk.com.
4-“Will blockchain transformthe public sector?” Retrieved from https://www2.deloitte.com/content/dam/insights/us/articles/4185_blockchain-public-sector/DUP_will-blockchain-transform-public-sector.pdf.
5-https://www.ibm.com/blogs/blockchain/category/blockchain-for-government.

• تحریریه آفتاب خاورمیانه •

۱۱ تکنولوژی‌ها دائماً چهره زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تا همین چند وقت پیش برای خرید، کرایه تاکسی، غذا و… اگر حضور فیزیکی ضروری نبود اما دیگر حتماً بایستی با تلفن تماس می‌گرفتیم و حالا با لمس صفحه گوشی خود می‌توانیم همه کارهای زندگی روزمره از جمله خرید، کارهای بانکی و… را انجام دهیم. فضای مجازی دیگر خیلی هم مجازی نیست و به زندگی واقعی ورود پیدا کرده است. حالا به صورت واقعی در این فضا خرید و مصرف می‌کنیم و به صورت واقعی از این فضای مجازی می‌توانیم درآمد داشته باشیم. **۱۱**

با واقعی‌تر شدن فضای مجازی چهره‌ی کسب‌وکارها هم در جهان عوض شده است و هر روز یک استارت‌آپ از گوشه‌ای به بیرون سرک می‌کشد و بازار جدیدی را فتح می‌کند. هر چند معمولاً مدیران استارت‌آپ‌ها می‌گویند به دنبال رقابت با بازار سنتی نیستند و در واقع سهم بازار و مشتری آن‌ها با بازار سنتی متفاوت است اما چه کسی می‌تواند منکر شود که با ورود آمازون، اوبر، ای بی در سطح جهان و اسنپ، تپ سی، دیجیکالا، اسنپ فود، دیوار، الوپیک و… بازارهای سنتی صدمه ندیند؟ در دنیا اما فین‌تک‌ها (FIN TECH) یا همان فناوری مالی از همان ابتدا شمشیر را از رو بسته‌اند و به بنا به ملاحظات فکری به دنبال جنگ با بانک‌ها و نهادهای مالی و سرمایه‌ای برخاسته‌اند.

فین تک چیست؟

فین‌تک‌ها که به استارت‌آپ‌های حوزه خدمات مالی معروفاند، کارشان نوآوری در ارائه خدمات مالی است. در واقع آن‌ها آمده‌اند تا با استفاده از تکنولوژی (در بیشتر مواقع اینترنت و نرم‌افزار) خدمات مالی سریع، راحت، ارزان، مطمئن، گسترده، کلان و خرد ارائه دهند و عملاً بانک‌ها را به عنوان موجوداتی واسط بین کسانی که پول دارند و کسانی که پول می‌خواهند؛ حذف کنند. برای مثال یکی از کارکردهای بانک تامین سرمایه و اعطای وام برای کسب‌وکارها است. بانک‌ها از طریق سرمایه خود (که از سپرده‌های مردم و شرکت‌ها به دست آمده است) و با ابزار اعتبارسنجی (به عنوان نهادهی درون بانکی) خطر سرمایه‌گذاری روی کسب‌وکار را مورد سنجش قرار می‌دهند و اگر به این نتیجه برسند که درخواست‌کننده وام، توان بازپرداخت وام را دارد، به او مبلغی پرداخت می‌کنند و با برداشت سهمی از سود به عنوان کارمزد، مابقی سود وام را به حساب سپرده‌گذار اولیه واریز می‌کنند. اما فین‌تک‌ها همه این راه‌های طولانی را کوتاه می‌کنند و مدل اعتبارسنجی درخواست‌کننده سرمایه را تغییر می‌دهند (یا بر عهده سرمایه‌گذار می‌گذارند) تا با کم رنگ‌تر کردن نقش خود، سود بین ۲ طرف معامله به حداکثر برسد. اگر بخواهیم مثال را بومی کنیم؛ فرض کنیم که نرخ سود سپرده بانک‌های ایرانی ۱۰٪ است و نرخ دریافت تسهیلات ۱۸٪. این به معنای آن است که ۸٪ از تفاضل سود وام و سپرده، صرف هزینه‌های دیگر سوم کرده‌اند و پس از پایان این فاز احتمالاً از سال‌ای آتی شاهد به‌کارگیری بلاک‌چین در سطوحی گسترده‌تر توسط دولت‌ها خواهیم بود.

انجام دهد. در واقع در این حالت سود دو طرف هم‌زمان افزایش می‌یابد و به علت هزینه‌های بالاسری پایین و حجم بسیار بالای معاملات، خود نیز از سود بالایی برخوردار می‌شود.

مثال بالا نمونه ساده و کوچک شده بخشی از فعالیت‌هایی است که فین‌تک‌ها می‌توانند انجام دهند. روندهای داخلی ایران نشان می‌دهد که فین‌تک‌ها در حال بزرگ‌تر شدن هستند و اگر مقررات بانک مرکزی به آن‌ها اجازه دهد می‌توانند چهره بانکداری و خدمات مالی را تغییر دهند. فعلاً فین‌تک‌ها در حد درگاه‌های پرداخت اینترنتی و کدهای USSD هستند ولی پتانسیل بالقوه‌ای در آن‌ها برای تغییر اکوسیستم بانکداری وجود دارد و اگر بانک‌ها نتوانند بروکراسی تبیل خود را با وضعیت پرشتاب دنیای امروز تطبیق دهند، محکوم به از دست دادن بخشی بزرگ از بازار خود هستند.

انواع فین‌تک‌ها

یکی از اشتباهات رایج در ایران خلط مفهومی و مصداقی فین‌تک است. بسیاری این مفهوم را با ارز رمزها و بلاک‌چین‌ها مساوی می‌انگارند و گروهی آن را به درگاه‌های پرداخت اینترنتی تقلیل می‌دهند. سنتی‌ترا نیز آن را متعلق به آینده خیلی دور می‌دانند و متوجه حضور فین‌تک‌ها در کنار گوش خود نیستند. می‌توان گفت فین‌تک همه این چیزها است ولی خیلی گسترده‌تر و خیلی نزدیک‌تر!

مجله فوربس در معرفی ۵۰ فین‌تک برتر سال ۲۰۱۸، فین‌تک‌ها را به ۸ دسته تقسیم می‌کند:

۱. سرمایه‌گذاری ۲.پرداخت ۳. وام‌دهی (قرض دادن، تامین سرمایه جمعی و کراود فانڈینگ)
۴. امور مالی شخصی ۵. ولت تک (مربوط به بازار سرمایه و بورس) ۶. زنجیره بلوک و ارزهای رمزنگاری‌شده ۷. کسب‌وکارهای کوچک ۸. تجزیه و تحلیل داده‌های مالی (بیگ‌دیتا و مدیریت مالی)

منابع:

1.www.khoshfekri.com

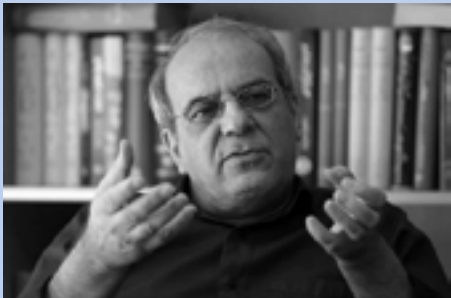
2.way2pay.ir

۳. ماهنامه عصر تراکنش سل‌ل‌اول‌شماره ۱۰

بزرگان از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می گویند؛

برهه حساس همیشه کنونی

• تلخیص و جمع‌آوری، تحریر به آفتاب‌خاور میانه •



عباس عبدی

روزنامه‌نگار، پژوهشگر و فعال سیاسی؛ فارغ‌التحصیل رشته مهندسی پلیمر از دانشگاه امیر کبیر تهران

یکی از ویژگی‌هایی که به صورت تاریخی و سنتی برای جامعه ایران برشمرده و گاه حتی به عنوان نقطه منفی لحاظ می‌شود، این است که این جامعه قدرت انطباق‌پذیری بالایی دارد. شاید اگر بسیاری از اتفاقاتی که در ایران رخ داده، در جای دیگری اتفاق می‌افتاد، واکنش‌های شدیدتری در پی داشت. جامعه ایران در طول تاریخ با مسائل مختلفی مواجه شده؛ اتفاقاتی که بعد از مشروطیت، یا بعد از حمله متفقین در شهریور ۱۳۲۰ رخ داد و اتفاق‌های بعدی بحران‌هایی جدی بوده، اما جامعه ایران کم و بیش توانسته بسیاری از این بحران‌ها را در دل خود هضم و خود را با شرایط جدید سازگار کند.

اگر یک فرد یا یک جامعه بیش از حد خود را با شرایط تطبیق دهد و با هر وضعیتی سازگاری داشته باشد، البته از جهت حفظ بقایش مهم است، ولی مشخص نیست که چنین فرد یا جامعه‌ای بتواند فراتر از وضعیت موجود گام بردارد؛ یعنی وقتی خود را با شرایط موجود انطباق می‌دهید، دیگر کمتر می‌توانید به سوی یک وضعیت مطلوب و آرمانی گام بردارید. به هر حال انطباق‌پذیری جامعه ایرانی یک واقعیت است که خیلی‌ها به آن معتقدند و بقای جامعه ایرانی را مدیون همین ویژگی می‌دانند اما ممکن است سکون جامعه ایرانی هم کم و بیش ناشی از همین ویژگی باشد.

من فکر نمی‌کنم در این موارد آبرچالش‌های کسری بودجه، نظام بانکی، بیکاری و مسائل محیط زیست، صبر



عباس آخوندی

عضو هیئت‌علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران؛ دکترای رشته اقتصاد سیاسی از کالج رویال هالووی لندن

وقتی آمریکا از برجام خارج شد، خانم موگرینی بلافاصله گفت اتحادیه اروپا بر اساس مصالح و امنیت خود عمل می‌کند. ما متعهد و مصمم به حفظ این توافق هستیم و این کار را برای امنیت جمعی خود انجام می‌دهیم.

اروپا به همین روشنی و به سرعت درباره برجام موضع گرفت. ما چه کردیم؟ ما برعکس کار کردیم. آقای ظریف توثیت کرد؛ طبق دستور رئیس‌جمهور روحانی، من تلاش دیپلماتیک را پیش خواهم برد تا بررسی کنم که آیا دیگر اعضای برجام می‌توانند منافع کامل را برای ایران تضمین کنند یا نه. نتیجه، پاسخ ما را مشخص خواهد کرد.

این ما بودیم که به صورت رسمی اولین تردید رسمی درباره تداوم برجام را در اذهان عمومی ایجاد کردیم. فردای آن روز در مجلس به شکل نمادین، قرارداد برجام را آتش زدند. به این ترتیب دومین تردید جدی وارد افکار عمومی ما شد و این تردید یکی دیگر از ریشه‌های اصلی عدم قطعیت بود. تردید سوم ناشی از فقدان نظریه اقتصادی و ضعف حکمرانی بود. تخطی از قانون، بی‌حرمتی به حقوق مالکیت و پشت کردن به اقتصاد بازار که مغایر با سیاست‌های ابلاغی پیشین بود، حاکی از نبود نظریه اقتصادی و ضعف حکمرانی است. وقتی بحران به وجود آمد اصول را زیر پا گذاشتیم و به سوی قیمت‌گذاری و تعزیر بازار حرکت کردیم. داغ و درفش نشان دادیم و وارد انبارهای مردم شدیم. عملاً حاکمیت قانون را زیر پا گذاشتیم. من معتقدم سه تردیدی که اشاره کردم، ریشه اصلی عدم قطعیت در اقتصاد ایران است. اینکه ریشه این تردیدها چیست، نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد. در همین حال نتایج غفلت از اصلاحات ساختاری هم بلافاصله پس از وارد آمدن شوک به اقتصاد کشور پدیدار شد. این تردیدها در کنار هم ناطلمینانی بزرگی در اقتصاد کشور به وجود آوردند که نتیجه‌اش بی‌ثباتی در بازارهای ما بود.

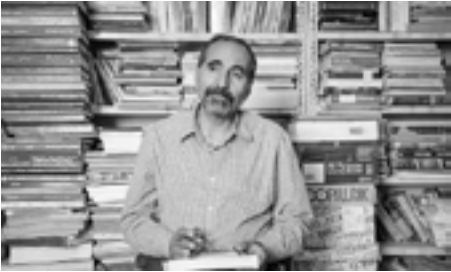


موسی غنی‌نژاد

عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعت نفت؛ دکترای رشته اقتصاد توسعه از دانشگاه سوربن فرانسه

هرقدر که مداخلات دولت بیشتر شود، ناامنی و ناطلمینانی و به طور کلی وضعیت اقتصاد بدتر می‌شود. راه‌حل چیست؟ یک کلمه است: آزادسازی. در عمل و در واقعیت، بهترین نظارت بر بازار را رقابت انجام می‌دهد. در فضای رانتی مردم ناچار می‌شوند برای دریافت مجوز ورود به کسب‌وکار، به کارهای مفسده‌آلود مانند رشوه و جعل دست بزنند. ضمن اینکه افراد غیرحرفه‌ای برای سود بردن از رانت و به واسطه نزدیک بودن به نهادهای قدرت وارد بازار می‌شوند و فضای اقتصاد به هم می‌ریزد. بهترین نمونه آن بحران اخیر موسسات مالی است که افرادی توانستند با زرد و پند و اتصال به منابع قدرت، مجوزهایی بگیرند که در شرایط عادی نباید به آنها داده می‌شد و نتیجه آن هم به هم ریختن بازار پولی کشور بود که هنوز هم حل نشده و خسارات سنگینی به اقتصاد کشور تحمیل کرده است.

در نتیجه در مورد مفهوم عدم قطعیت یا ناطلمینانی باید توجه شود که منظور این نیست که هر فعالیت اقتصادی قطعاً موفق است و به سود خواهد رسید؛ در بازار رقابتی ممکن است فرد شکست بخورد یا اینکه تصمیم اشتباه بگیرد و باید برای هر اشتباه هزینه زیادی بپردازد. ناطلمینانی، ریسک غیرطبیعی خارج از چارچوب رقابت و فضای معمول کسب‌وکار است؛ یعنی ریسک سیاسی یا ریسک ناشی از مداخلات دولت است. مثلاً زمانی که مقامات تصمیم می‌گیرند به FATF نپیوندند برای فعالان اقتصادی که باید با دنیا تعامل داشته باشند، ریسک مازاد یا ناطلمینانی تولید می‌کنند و باعث خروج تدریجی آنها از بازار می‌شوند



تقی آزاد ارمکی

عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ دکترای جامعه‌شناسی نظری از دانشگاه مرلند آمریکا

ما به نوعی دچار فروپاشی اقتصادی هستیم. اتفاق مهمی است که حوزه اقتصاد اعلام فروپاشی کرده است. اعلام این وضعیت اتفاق مهمی است و گر نه ما پیشتر دچار مشکلاتی



علی‌اصغر سعیدی

عضو هیئت‌علمی گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه لندن

این در جامعه ما هنوز جا نیفتاده که شرایط ناطلمینانی از آینده، یک شرایط جهانی است و در همه مناطق وجود دارد. باید بپذیریم در یک دنیای جدید قرار گرفته‌ایم و تغییرات بزرگ در راه است. درست مانند ۱۰ سال پیش که بحث جهانی‌شدن و تحرکات جمعیتی آغاز شده و بسیاری از کشورها را درگیر خود کرده بود.

شیوه مدیریت دولت در بحران‌ها یکی از عوامل مهم نامیدی مردم است. این مربوط به شرایط کنونی اقتصاد هم نیست. در سه سال گذشته حوادث مختلفی روی داده است. از سقوط هواپیما گرفته تا بروز سیل و زلزله و... در همه این حوادث طبیعی و غیرطبیعی، گویا دولتی وجود نداشت و مردم به اتکای خودشان سعی در حل مشکلات داشتند. مردم به تجربه دریافته‌اند تکنوکرات‌های باسابقه و میراث‌داران انقلاب نمی‌توانند بحران‌های متعدد را مدیریت کنند. هرچه حوادث بیشتری پیش می‌آید مردم کمتر به نقش دولت توجه می‌کنند. در شرایط فعلی که مشکلات اقتصادی مستمر زندگی روزمره مردم را هدف گرفته و مردم آثار آن را در زندگی روزمره خود حس می‌کنند، بی‌اعتمادی دولت به مردم و ناامیدی از حل مشکل بیشتر خود را نشان می‌دهد. از طرفی اطلاعاتی که مردم دریافت می‌کنند، چشم‌انداز مثبتی به آنها نمی‌دهد.

ریشه همه ناامیدی‌های جامعه اقتصادی نیست. بخش مهمی از آن اجتماعی است. تنها ایران نیست که الان با بحران اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم مواجه شده. شرایط کنونی ما که از جنگ جهانی دوم بدتر نیست؛ آن

بوده‌ایم. به دلیل اینکه هیچ عنصری که سازوکار اقتصاد در ایران مدرن را استقرار دهد، وجود نداشته است.

همیشه دولتمردان ایران می‌خواسته‌اند آدم‌های مهمی باشند و اقتصاد را امری تابعی قرار دهند. این ضعف بنیان نهاد اقتصاد همیشه وجود داشته است و همچنان تکرار می‌شده تا اینکه پول نفت می‌آید و کمک می‌کند ولی الان این ضعف و ناتوانی یا بی‌اثری اقتصاد اعلام می‌شود. حالا که ناتوانی اعلام می‌شود این سوال مطرح است که در حوزه اقتصاد کسی نیست تا وقتی همه ساختارهای اقتصادی مثل نظام تولید، نظام بانکی، ارزی، خرید و فروش و... دچار مشکل هستند، تصمیمی درست بگیرد؟ حالا همه جامعه به عرصه اقتصاد سرازیر شده‌اند و ما شاهد بلیشوی بازار هستیم. این اتفاق مهمی است که یک خوبی ناخواسته جدی دارد؛ ظهور این وضعیت نشان داد اقتصاد در ایران نهاد و ساحت بی‌بنیاد است!

زمان کشورهای اروپایی برای حفظ امید در جامعه چه کردند یا در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸؟

آن زمان همه گروه‌های مرجع دست به دست هم دادند تا به مردم روحیه بدهند. اما ما اینجا در مقابل مردم می‌ایستیم. این نتیجه معکوس می‌دهد. شما نمی‌توانید از چند جهت به مردم فشار بیاورید. نمی‌شود هم اوضاع اقتصاد بد باشد، هم آزادی‌های اجتماعی در حداقل ممکن باشد و بخواهیم مردم امیدوار بمانند. در شرایط دشوار اصولاً گروه‌های مرجع را به همکاری دعوت می‌کنند. افرادی مانند هنرمندان، نقاشان، نویسندگان، بازیگران سینما و تئاتر و... اما ما چه می‌کنیم؟ مانع اجرای کنسرت و تئاتر می‌شویم یا با فعالان این حوزه برخورد می‌کنیم؟ مثلاً می‌شد در این شرایط به هنرمندان اجازه فعالیت بیشتر داد یا حداقل مانع برخوردهای سلیقه‌ای با مردم شد. نمی‌توان در چند جبهه به مردم سخت گرفت. باید کاری کنید که انعطاف‌پذیری جامعه بالا برود. تحدید آزادی‌های فردی و اجتماعی و برخوردهای سلیقه‌ای یکی از نیابدهای مهم شرایط کنونی است. چراکه آثار منفی می‌گذارد و باعث دلسردی می‌شود. در شرایط رفاه شاید بتوان رویدادهای فرهنگی را به حداقل رساند یا گفت مردم برای شرکت در رویدادهای فرهنگی خاص یا داشتن یک سبک زندگی دیگر و برخی آزادی‌های فردی می‌توانند به کشورهای دیگر بروند. اما با قیمت‌های کنونی ارز و شرایط اقتصادی، مردم امکان سفر خارجی ندارند. جامعه ما فرهنگی‌تر شده است. تفریح، مطالعه، تئاتر و کنسرت و سفر به سبد مصرف خانواده‌ها راه یافته و آنها این موارد را می‌خواهند. حالا شرایط اقتصادی به نوعی است که شاید افراد نتوانند این فعالیت‌ها را به کیفیت گذشته انجام دهند. مثلاً پارها تاکید شده مردم سفر خارجی نزنند. در بیانیه حقوق بشر، سفر یکی از حقوق اولیه انسان‌هاست. مانند بهره‌مندی از بهداشت و هوای پاک. شما نمی‌توانید حقوق اولیه انسان‌ها را بگیرید و آنها را نهبی کنید. قرار هم نیست دولت وارد حوزه فرهنگ شود. فقط اجازه بدهد گروه‌های مرجع، روشنفکران و جامعه مدنی کار خودشان را انجام دهند. بگذار حوزه عمومی خودش مشخص کند چه می‌خواهد. این تهدیدی است که دولت می‌تواند آن را به فرصت تبدیل کند و نشان دهد اگرچه شرایط اقتصادی چه می‌خواهد. این تهدیدی است که دولت می‌تواند آن را به فرصت تبدیل کند و نشان دهد اگرچه شرایط اقتصادی

در برخی از سیاست‌ها تجدیدنظر کنید.



حمید بیگلری

مدیرعامل شرکت خصوصی تی جی جی (TGG)؛ دکترای فیزیک هسته‌ای از دانشگاه پرینستون

به نظر من، به ویژه برای کشورهای بازارهای نوظهور، اساساً غیرممکن است که بتوان از رخ دادن بحران‌های اقتصادی جلوگیری کرد. این به آن خاطر است که کشورهای جهان به یکدیگر متصل هستند و حتی اگر یک کشور بتواند اقتصاد خود را به بهترین شکل ممکن مدیریت کند، عملکرد ناقص کشورهای دیگر می‌تواند از طریق سرایت، ماشه بحران مالی را در آنها بکشد. تنها کاری که یک کشور می‌تواند انجام دهد اقدامات پیشگیرانه است، اقداماتی که میزان ضربه بحران‌های مالی را در زمانی که اجتناب‌ناپذیرند کاهش دهد. واضح‌ترین درسی که کشورها از تجربه بحران‌های مالی آموخته‌اند این است که میخسوب کردن نرخ ارز یک کشور عمل نابخردانه‌ای است. یک درس مرتبط اما متفاوت این است که تعداد بسیار کمی از کشورها، به ویژه در بازارهای نوظهور، می‌توانند از پس کسری حساب جاری مداوم خود بایزند. کسری حساب جاری بدین معناست که مخارج یک کشور (از طریق واردات) بیشتر از درآمدهای آن (از طرق صادرات) باشد. البته یک کشور می‌تواند از سرمایه‌گذاران کشورهای دیگر پول قرض کند تا کسری خود را پوشش دهد اما تجربه نشان داده است که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند به دلایل متعددی پول خود را از یک کشور به سرعت خارج کنند، حتی به دلایلی که غیرمرتبط با وضعیت اقتصادی آن کشور باشند.

بنابراین کشوری که کسری بودجه دارد تنها دو انتخاب برای دفاع از نرخ ارزش پیش رویش است: یا می‌تواند نرخ‌های بهره داخلی را افزایش دهد و بدین طریق بازار داخلی را برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب کند، یا می‌تواند از ذخایر ارزی بانک مرکزی برای خرید ارز خود استفاده کند. اقدام اول رشد اقتصادی داخلی را تضعیف خواهد کرد و اقدام دوم به سرعت ذخایر ارزی کشور را کاهش خواهد داد. به استثنای موارد بسیار اندک، هیچ کشوری ذخایر کافی برای مبارزه با نیروهای بازارهای مالی ندارد. بنابراین کشور مجبور است اجازه دهد که ارزش پولش کاهش یابد، اما کاهش شدید ارزش پول ملی ماشه تورم داخلی را می‌کشد زیرا هزینه واردات افزایش می‌یابد. در دهه ۱۹۹۰، تعداد زیادی از کشورهای بازار نوظهور مثل تایلند، اندونزی، کره جنوبی، مکزیک و آرژانتین، در نتیجه میخکوب کردن پول‌های خود متحمل بحران مالی شدند. همه آنها بعد از میخکوب ارز ضرورتاً اجازه دادند که نرخ ارزششان شناور شود. سومین درس مرتبط که بعضی (اما نه همه) کشورها آموختند این است که مهم است که ذخایر بانک مرکزی از کسری حساب جاری‌شان بیشتر باشد. با این حال، ضمن اینکه پایین بودن بدهی‌های خارجی کمک می‌کند، اما به تنهایی مانع از افتادن یک کشور در دام بحران مالی نمی‌شود.

منتشر شده در هفته‌نامه تجارت فردا

پارادوکس سوئیفت اروپایی

• تحریریه آفتاب خاورمیانه •

۱۵ مهر ۹۷ خبر فعال شدن سوئیفت اروپایی تا قبل از دور جدید تحریم‌های آمریکا برای بانک‌های ایرانی منتشر شد. این خبر به معنای دور زدن تحریم‌های بانکی آمریکا تلقی شد و چراغ امیدی برای تسهیل روابط مالی و تجاری بین ایران و اروپا بود. اما تا لحظه نوشتن این یادداشت از سازوکار دقیق این اقدام، اطلاع دقیقی در دسترس نیست و مشخص نیست چگونه این واژه ابداعی قرار است به صورت واقعی مرادوات مالی را انجام دهد.۱

قرارداد، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. از طرفی دیگر هیئت‌مدیره سوئیفت شامل مقامات اجرایی بانک‌های آمریکا هم می‌شود و قانون فدرال آمریکا به آن‌ها اجازه می‌دهد علیه بانک‌های سراسر جهان عمل کنند. از ۱۳ آبان ۹۷ دور دوم تحریم‌های آمریکا اجرایی می‌شود. در این دور آمریکا می‌خواهد کاری کند که نفت ایران خریدار نداشته باشد و از طرفی ایران نتواند مبادلات بانکی با کشوری داشته باشد؛ لذا نگاه‌های مردم، فعالان بازار، تولید و... به تصویب FATF و حضور ایران در سوئیفت اروپایی است.

شهریور ۹۷ که موضوع جایگزین سوئیفت از سوی اتحادیه اروپا اعلام شد، خیلی از کشورهای اروپایی نسبت به این موضوع ابهام داشتند و نمی‌دانستند که این جایگزینی تا چه حد می‌تواند جدی یا قابل اجرا باشد. حال با گذشت زمان خیلی از کشورها برای پیوستن به شبکه سوئیفت اعلام آمادگی کردند. اخیراً نیز سوئیس از حضورش در سوئیفت اروپایی خبر داده است. ایوس روزیه سفیر سوئیس به صورت رسمی اذعان کرده است، این کشور به همراه دیگر کشورها به سیستم موازی سوئیفت که به‌جای دلار با یورو کار خواهد کرد، می‌پیوندند و مشارکت خواهد داشت.

سوئیفت اروپایی علی‌رغم پارادوکس لغو‌اش هنوز در معرض آزمون قرار نگرفته است ولی به نظر می‌رسد در صورتی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا همگی در قبال ایران به این شبکه مالی جدید متعهد باشند؛ این شبکه می‌تواند تا حد زیادی برای ایران جایگزین سوئیفت واقعی باشد و فشارهای تحریمی را تا حد معقولی کاهش دهد اما لازمه همه این‌ها همکاری جدی کشورهای اروپایی است.

سوئیفت (SWIFT) مخفف «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی» است، بنابراین واژه سوئیفت اروپایی از یک پارادوکس بزرگ رنج می‌برد. سوئیفت اروپایی چیزی شبیه ترجمه «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی بین اروپا و ایران» می‌شود! چیزی شبیه همان طنز اینترنت داخلی، یعنی هم جهانی و هم منطقه‌ای است. سوئیفت جهانی اما یک انجمن تعاونی غیرانتفاعی است که در ماه مه ۱۹۷۳ میلادی توسط ۲۳۹ بانک از پانزده

کشور اروپایی و آمریکای شمالی راه‌اندازی گردید و هدف از آن جایگزینی روش‌های ارتباطی غیر استاندارد کاغذی یا از طریق Telex در سطح بین‌المللی با یک روش استاندارد شده جهانی بود. مرکز اصلی شبکه سوئیفت در کشور بلژیک است و طبق قوانین آن کشور عمل می‌نماید و کشورهای آمریکا، هلند، انگلیس و هنگ‌کنگ به عنوان مراکز پشتیبان اعضا فعالیت دارند. سوئیفت در هر کشوری دارای یک SAP یعنی نقطه دسترسی به سوئیفت است که توسط مؤسسه سوئیفت کنترل می‌شود که در ایران SAP در بانک مرکزی واقع گردیده است.

سوئیفت شبکه‌ای است که متعلق به اعضا و تأمین‌کنندگان است و به خاطر نقش کلیدی خود در صنعت بانکداری، در حکم ستون فقرات بانکداری بین‌المللی مدرن است؛ که همه‌روزه حدود ۳۰ میلیون پیام مربوط به نقل و انتقالات مالی را بین ۱۱ هزار بانک منتقل می‌کند.

ساختارهای بنیادین سوئیفت در بروکسل است که جزوی از خاک اروپاست؛ و با توجه به باقی ماندن کشورهای اروپایی در پیمان برجام، نشانگر این است که سیستم سوئیفت خواهان اخراج بانک‌های ایرانی نیست؛ اما با وجود تحریم‌های سخت اقتصادی آمریکا، تکلیف طرف‌های پایبند به این

1. Telecommunication Financial Interbank
Worldwide for Society

منابع:

- https://www.bloomberg.com
- https://www.khabaronline.ir
- https://donya-e-eqtesad.com
- https://www.yjc.ir
- https://www.parsine.com
- https://fa.wikipedia.org
- http://www.asriran.com
- http://iraneeconomist.com
- https://way2pay.ir

به سوی شناسایی دقیق با سامانه نهاب و کد شهاب

کدملی در نظام بانکداری

• مدیریت مبارزه با پول‌شویی و تطبیق قوانین •

۱۱ بانکداری مدرن اقتضات تازه‌ای دارد. روزگاری داشتن یا نداشتن شناسنامه اختیاری بود حالا تصور این که کسی بدون داشتن کارت ملی بتواند روزگار بگذراند در مخیله نمی‌گنجد. زمانی صرف دریافت وجه از مشتری برای افتتاح حساب، داشتن آمار بالای مشتریان و تعداد حساب‌ها برای نشان دادن کارایی یک موسسه مالی کافی بود. حالا تقنین در بسیاری از حوزه‌های مربوط به بانکداری به منظور دستیابی به اهداف بلندپروازانه‌تری چون کاهش تمایل به ارتکاب جرایم سازمان‌یافته صورت می‌گیرد.۱

شناسایی مشتری که رکن اصلی بانکداری است، به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات مدنظر قرار گرفته و لازم است علاوه بر شناسایی مقدماتی، هویت‌سنجی و تعیین اعتبار نیز به دقت صورت گیرد تا با همین سنگ بنای ساده، امکان پیشگیری از بسیاری مفاسد اقتصادی و سوءاستفاده‌های احتمالی میسر شود. همچنین امکان پاسخگویی شبکه بانکی به مراجع ذی‌صلاح تسهیل شود.

این مهم محقق نخواهد شد مگر با نگهداری اطلاعات کامل مشتریان بانکی به صورت یکپارچه و حفظ کیفیت و اعتبار آنان در سیستم بانکی. اساسی‌ترین و ضروری‌ترین ویژگی تمامی مقررات مربوط به ساماندهی مشتریان و پیشگیری و مقابله با هر نوع جرم مالی، که داشتن تصویر کامل و درستی از مشتری است؛ نه آن‌گونه که او سعی دارد خود را بنمایاند بلکه آن‌گونه که به واقع رفتار می‌کند.

به عبارت دیگر در شرایط جدید به تصویری که مشتری در پدو امر از خود ارایه می‌دهد اکتفا نمی‌شود بلکه با بهره‌گیری از تمامی سامانه‌های اطلاعاتی موجود، تصویری از او به دست می‌آید که در قالب یک «کد» کامل‌ترین اطلاعات هویتی و رفتار مالی او را به دست می‌دهد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیه همین علت، پروژه «نظام هویت‌سنجی اطلاعات مشتریان بانکی» را که

به اختصار «نهاب» نامیده می‌شود؛ در دستور کار خود قرار داده است. سامانه نهاب، در ابتدا به عنوان پیش‌نیاز «طرح نماد» آغاز شد که هدف از اجرای آن، فراهم نمودن بستری برای گواهی امضای دیجیتال در نظام بانکی بود تا بتوان از آن در سامانه‌های مهمی چون پورتال ارزی، سنا، سپام، کاشف، ساتنا و پایا استفاده کرد. نهاب، سامانه‌ای یکپارچه است که با جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات هویتی مشتریان، شرایطی را فراهم می‌کند تا به وسیله آن بتوان شماره شناسایی منحصر به فردی برای هریک از افراد در شبکه بانکی تخصیص داد. در واقع این سامانه با اتصال برخط به پایگاه داده‌های مختلفی چون پایگاه داده‌های سازمان ثبت احوال و ثبت اسناد و خودکار کردن عملیات مربوطه، ارایه خدمات و اعتبارسنجی دقیق را تسریع می‌کند. بدین ترتیب، سامانه‌های سیستم مدیریت سپرده‌ها، سیستم مدیریت تسهیلات، سیستم ارزی، سیستم بانکداری اینترنتی، سیستم بانکداری همراه و سیستم تلفن‌بانک تحت پوشش قرار خواهد گرفت.

در حال حاضر هر بانک مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به مشتریان خود را در اختیار دارد. نگهداری این اطلاعات در هر بانک مطابق با شیوه خاصی است که خود آن بانک از ابتدا طراحی کرده و بر مبنای آن عمل نموده است. آشکار است که دسترسی به اطلاعات مربوط به یک مشتری در سایر بانک‌ها به سادگی مقدور نیست. نهاب با دریافت

تمامی این اطلاعات از تمامی بانک‌ها و موسسات مالی اقدام به پالایش آن‌ها از طریق اتصال به سازمان‌های بیرونی مرتبط از جمله سامانه ثبت احوال، سامانه ثبت شرکت‌ها، سیستم پست، سیستم اتباع خارجی نیروی انتظامی و سایر سیستم‌های موردنیاز می‌نماید. برای مثال استعلام اطلاعات هویتی ارایه شده از سوی مشتری، یا اطمینان از صدور گواهی فوت از سامانه ثبت احوال صورت می‌گیرد، یا حصول اطمینان از داده‌های مربوط به اشخاص حقوقی از سامانه ثبت شرکت‌ها و اطلاعات مورد نیاز در مورد اتباع خارجی از سامانه فیدا. بدین ترتیب اطلاعات پراکنده‌ای که در مورد یک مشتری در چندین بانک مختلف بدون وجود ارتباط منطقی در میان آن‌ها و یا امکان بررسی تمامی آن‌ها وجود ندارد در مجموعه‌ای واحد تجمیع شده و سرانجام پس از پالایش تمامی اطلاعات دریافتی از بانک‌ها

برنامه‌ریزی برای توسعه شغلی

”IDP: یا «برنامه توسعه فردی و شغلی» یک فرایند مستمر در خصوص ارزیابی نیازهای آموزشی هر فرد و برنامه‌ریزی برای رفع این نیازها است. این فرایند به فرد کمک می‌کند که در خصوص دانش، عملکرد و یا موفقیت‌های خود فکر کند و برای ارتقا و پیشرفت فردی، تحصیلی و آموزشی خود برنامه‌ریزی نماید.“



شبنم طاهریان
کارشناس مدیریت سرمایه‌انسانی، بانک خاورمیانه

کدام سیاست‌ها و استراتژی‌ها دنبال می‌کند؟ در محیط درونی و بیرونی سازمان چه می‌گذرد؟ چه تحولاتی در حوزه‌های تکنولوژیکی رخ داده یا در حال وقوع است؟ دینفعان سازمان ما به‌ویژه مشتریان چه انتظاراتی از برند ما، محصولات و خدمات ما و از کارکنان ما دارند؟ آیا در محیط کار، به‌ویژه با رویکرد آینده‌نگر، تغییر و تحولی در حال وقوع است که من هم باید بخشی از آن باشم؟ نقش من در سازمان چه تغییری کرده یا خواهد کرد و من برای ایفای موفق این نقش باید خود را به چه قابلیت‌ها و مهارت‌های جدید مجهز کنم؟ در واقع نتیجه این مرحله رسیدن به (Personal Vision) است که من ایده آل فرد را می‌نماید.

مرحله دوم: آنچه هستیم

در این مرحله از فرآیند طراحی برنامه توسعه فردی به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهیم که:

من در حال حاضر چه قابلیت‌ها و مهارت‌هایی دارم، در چه زمینه‌ها و حوزه‌هایی دارای قوت هستم؟ در کدام قابلیت‌ها و مهارت‌ها ضعیف هستم؟ علایق و استعدادها و کشف محدودیت‌ها و فرصت‌های بهبود من کدام است؟

چرا بازخورد دادن و بازخورد گرفتن مهم و مفید است؟

دو روانشناس مشهور، این مفهوم (نقاط کور) را در قالب مدلی که با توجه به نام کوچک آن‌ها (جو و هری) به پنجره جوهری مشهور است توضیح داده‌اند:

ناحیه آزاد
برای خود شناخته شده
برای دیگری شناخته شده

پنجره‌ی جوهری
ناحیه کور
برای خود ناشناخته
برای دیگری شناخته شد

همان‌گونه که مدل (پنجره) نشان می‌دهد:

مهم‌ترین کمکی که بازخوردهای دریافتی از دیگران به ما کمک می‌کند این است که از وسعت ناحیه کور ما می‌کاهد و اطلاعات مفیدی در مورد رفتارها و عملکردهای ما (از دیدگاه دیگران) در اختیارمان قرار می‌دهد.

لذا توصیه می‌شود که برای دریافت بازخورد به سراغ کسانی برویم و نظرات و ارزیابی‌های کسانی را جویا شویم که دارای بعضی ویژگی‌ها و توانمندی‌ها به شرح زیر باشند:

- در حوزه مورد نظر و مورد ارزیابی صاحب‌نظر و متخصص باشد
- صادق باشد و صریح
- در ارائه بازخورد به ما نفع شخصی نداشته باشد
- خیرخواه و دلسوز ما باشد

و محاسن رفتاری و عملکردی و هم ضعف‌ها و اشتباهات را ذکر کنید. بعضی تحقیقات نشان می‌دهند که افراد وقتی آماده شنیدن انتقاد هستند که قبلا حسابی از آن‌ها تعریف و تحسین شده باشد.

● مطمئن شوید که دریافت‌کننده بازخورد، پیام‌ها و مفاهیم مورد نظر شما را کامل و درست شنیده و فهمیده باشد. در غیر این‌صورت ممکن است سوء تفاهم‌های جبران‌ناپذیر و مخربی بروز کند.

● بعد از ارائه بازخورد، حمایت دوستانه خود را از فرد مقابل اعلام کنید و در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی بهبود هم با او همکاری و مشورت کنید، اما او را برای انجام اقدام خاصی تحت فشار قرار ندهید.

● در ارائه بازخورد نباید افراط کرد. نباید از واژه‌هایی مثل همیشه، غیرممکن، مطلقا، هرگز و ... استفاده کرد.

● باید در جلسه بازخورد، امیدواری و باور مثبت خود را در این مورد که به نظر ما، ارزیابی شنوده می‌تواند به رفتار و عملکرد خود سروسامان بدهد به او اعلام کنیم.

مرحله سوم: مشخص کردن فاصله وضعیت موجود تا مطلوب

در این مرحله باید مهارت‌ها، دانش، رفتار، شایستگی‌ها و قوت‌ها و ضعف‌های موجود (فعلی) خود را که در نتیجه مرحله دوم به دست آمده است با وضع مطلوب (مهارت‌ها و قابلیت‌هایی که برای موفقیت در آینده باید داشته باشیم) مقایسه کنیم و تشابهات و تفاوت‌ها را پیدا نماییم. فاصله‌ای بین این دو موقعیت وجود دارد که باید ترمیم و تکمیل شود.

در پایان این مرحله (مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب) شما به یک تصویر (ارزیابی) از دانش، مهارت‌ها و قابلیت‌های خود می‌رسید در کدام زمینه‌ها وضع مطلوب و قابل قبولی دارد و دارای نقطه قوت هستید، در کدام زمینه‌ها (دانش، مهارت، رفتار، توانایی و ...) وضع نسبتا قابل قبولی دارید اما احتمال دارد که در شرایط سخت‌تر و در رؤیایی با چالش‌های بزرگ‌تر کم بیاورید و بالاخره اینکه در کدام مهارت‌ها و شایستگی‌ها وضع غیرقابل قبول (و حتی تا حدودی نگران‌کننده) دارید و دارای نقطه ضعف جدی هستید.

مرحله چهارم: طراحی برنامه توسعه فردی

در این مرحله، تصویر حاصل از مرحله سوم را مینا قرار می‌دهیم و با توجه به ضعف‌ها و کمبودهایی که در دانش، مهارت‌ها و رفتارهایمان داریم، تعدادی هدف دارای اولویت

را انتخاب می‌کنیم تا در دوره زمانی مورد نظر (مثلا تا پایان امسال) آن‌ها را برطرف کرده و بهبود دهیم.

توصیه شده است که در هر دوره زمانی، تعداد محدودی از اهداف که اولویت و ضرورت بیشتری دارند (ترجیحا ۲ یا ۳ حوزه قابل بهبود) انتخاب شوند. اهداف محدود و مشخص کمک می‌کند که انرژی و تمرکز شما روی این اهداف متمرکز شود و در نتیجه دستاوردهای بهتر و بیشتری کسب گردد. برای اطمینان از اینکه اهداف درستی انتخاب کرده‌اید که دارای اولویت و اهمیت لازم هم هستند، باز پیشنهاد می‌کنیم این اهداف را ابتدا با مدیرتان و سپس با یکی دو همکار باتجربه که می‌توانند مشاور شما باشند طرح و بحث کنید.

یک هدف خوب و کامل باید دارای ویژگی‌های زیر باشد که مهم‌ترین آن‌ها را به شما معرفی می‌کنیم:

● هدف باید دقیق و شفاف باشد، اهداف مبهم که هر کس بتواند با میل و سلیقه خودش آن‌ها را تعریف کند اهداف خوبی نیستند.

● هدف باید قابل اندازه‌گیری باشد. برای مثال اگر در حال حاضر در ۳۰ درصد مذاکرات خود موفق هستید می‌توانید این هدف قابل اندازه‌گیری را برای خود تعیین کنید که در طول ۱ سال باید حداقل ۵۰ درصد از مذاکراتی را که آغاز می‌کنید به نتایجی مطلوب مورد انتظار برسد.

● هدف خوب باید چالشی و کوشش طلب اما در عین حال قابل دستیابی باشد. هدفی که خیلی دور از دسترس است یا اهداف خیلی سهل‌الوصول و آسان، اهداف خوب و برانگیزاننده‌ای نیستند.

● هدف باید دارای سررسید زمانی (Time Deadline) باشد، بنابراین برای هر یک از اهداف خود زمان دقیق تا نسبتا دقیقی را تعیین کرده و متعهد شوید که تا آن تاریخ به آن هدف برسید.

● اهدافی که در برنامه‌های توسعه فردی برای خودتان و با مدیرتان در مورد آن‌ها توافقی می‌کنید باید با اهداف و جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های کارفرما هماهنگ و هم‌راستا باشد، چرا که در غیر این صورت رسیدن به این اهداف هیچ کمک موثری به موفقیت شغلی و سازمانی شما نخواهد کرد. طبیعی است که وقتی سازمان (به‌ویژه مدیر مستقیم شما) با اهداف توسعه فردی شما موافق باشند همه کمک‌ها و حمایت‌های لازم برای اجرای این برنامه را هم در اختیارتان خواهند گذاشت.

مرحله پنجم: به‌کارگیری قابلیت‌ها

بعضی از مهم‌ترین روش‌هایی که برای دستیابی به اهداف خود در زمینه توسعه فردی می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید عبارت‌اند از:

● بهره‌گیری از تجارب مربی (Coach و Mentor):

این‌ها افرادی با تجربه هستند که می‌توانند در قابلیت‌های مورد نظر و مورد نیاز شما راهنمایان باشند و مورد الگوبرداری شما قرار گیرند

● الگوسازی (Shadowing):

اگر در بین همکارانتان کسی را سراغ دارید که قوتی دارد که شما نیز مایل به کسب آن هستید، او را از نزدیک مورد مشاهده قرار دهید، در کنار او جلسات، مذاکرات و پروژه‌ها حضور پیدا کنید، رفتار و عملکرد او را ملاحظه و تحلیل کنید و از او و رفتارهایش بیاموزید.

● چرخش شغلی و درگیر شدن در حوزه‌ها و زمینه‌های شغلی جدید

● شرکت در سمینارها و کارگاه‌های آموزشی

● شرکت کردن در پروژه‌ها یا حضور یافتن در کمیته‌های کاری فرا بخشی (Cross-Functional) که به فرد جامع‌نگری و نگاه فرآیندی می‌دهد و ارتباط کاری او را با فرایندهای بعدی و قبلی تسهیل و تقویت می‌کند.

● انجام دادن و تمرین کردن (Learning by doing)

● اشتباه کردن و درس گرفتن از اشتباهات

● استقبال از بازخوردهای دریافتی از دیگران

● استفاده از تجارب همکاران موفق در قالب روابط یادگیری متقابل یا تشکیل گروه‌های تبادل دانش و تجربه

● عضویت در انجمن‌های تخصصی، انجمن علمی، انجمن‌های فارغ‌التحصیلان

● مطالعه منظم مجلات تخصصی، استفاده منظم از سایت‌های تخصصی

● تدریس

باید در نظر داشت آنچه حقیقتا منجر به بهبود قابلیت‌ها و مهارت‌های ما می‌شود یادگیری به‌صورت متمرکز، همراه با تمرین و تکرار و تداوم با حوصله، پایداری و پافشاری است. آموزش‌های کوتاه‌مدت و بی‌هدف که تکرار هم نشوند اثر عملی زیادی بر رفتار و عملکرد یادگیرنده نخواهند داشت.

برگرفته از سمپوزیوم توسعه فردی دکتر بهزاد ابوالعلائی- سازمان مدیریت صنعتی بهار ۱۳۹۲



آرین آقابگی
کارشناس امور شعب. بانک خاورمیانه

هنر تحریم‌ها با نگاهی از درون

«نوشتار حاضر برگرفته‌ای از کتاب «هنر تحریم‌ها» نوشته «ریچارد نفیو» مسوول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران است. نگارنده در این کتاب در ابتدا به سابقه تاریخی تحریم‌ها اشاره کرده و با ارائه مفهوم تحریم و طبقه‌بندی آن، با نگاهی جامع و بنیادین مبتنی بر تجارب شخصی خود به مسأله تحریم و سازوکارهای آن پرداخته است. کتاب هنر تحریم‌ها که در دسامبر سال ۲۰۱۷ توسط وی به رشته تحریر در آمد از این حیث حائز اهمیت است که علاوه بر مبانی تئوریک موجود در زمینه تحریم به توضیح و تشریح تجارب تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا در چند دهه اخیر نیز پرداخته و خود نویسنده نیز یکی از ارکان اصلی طراحی تحریم‌ها علیه ایران بوده است. در نهایت نتیجه‌ای که نگارنده کتاب از مسایل مطرح شده به مخاطب ارائه می‌کند فرایندی چند مرحله‌ای است که سازوکار طراحی و اعمال تحریم‌ها و شروط تضمین موفقیت آن‌ها را معرفی می‌کند. این کتاب به سفارش مجلس شورای اسلامی در تابستان امسال ترجمه و منتشر شده است.»

■ انواع تحریم

همان طور که پیش‌تر نیز گفته شد، تحریم‌ها از این جهت سنتی متفاوت است که به موضوع تحریم نگاه دوگانه‌ای دارد. به بیان دقیق‌تر آنچه نفیو در ادبیات بررسی تحریم وارد کرده با آنچه در ادبیات نظری سنتی آمده متفاوت است و دیدگاه وی دیدگاه دوگانه درد/استقامت است. وی توضیح می‌دهد که درد که تلویحاً اشاره به فشار تحریم دارد چه زمان، در کجا و چگونه باید توسط کشور تحریم‌کننده اعمال شود و از سوی دیگر استقامت کشور تحریم‌شونده چگونه ارزیابی شود تا تحریم‌های اعمال شده بیشترین اثربخشی را داشته باشد. مراد از استقامت نیز قاطعیت روان‌شناختی کشور هدف برای انکار پیروزی طرف تحریم‌کننده و ادامه دادن به مسیری است که برای خود برگزیده است. هدف غایی در این بحث اعمال فشار بر کشور تحریم‌شونده تا حدی است که در نهایت از طریق دیپلماسی به پای میز مذاکره بیاید و منافع طرف تحریم‌کننده را از طریق دیپلماتیک تأمین کند.

بررسی‌های تاریخی حاکی از این است که سابقه تحریم نه به زمان معاصر بلکه به دوران یونان باستان باز می‌گردد اما ابزارها و نمود بیرونی آن‌ها با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی در طول زمان دستخوش تحول بوده است. در عصر حاضر پس از تجارب تلخ و خون‌بار جنگ‌های جهانی و همچنین جنگ بین کشورها، به منظور حداقل کردن تلفات انسانی و خسارت‌های ناشی از جنگ، کشورها تمایل بیشتری به سمت اعمال تحریم پیدا کرده‌اند که هدف آن‌ها عمدتاً به زانو درآوردن کشورهای طرف تحریم و در نهایت تأمین منافع خود از طریق دیپلماسی است. آنچه نفیو در کتاب هنر تحریم بیان می‌کند در راستای تحقق همین هدف است. به زعم وی صرف اعمال تحریم کارگشا نیست و باید به این موضوع به طور موشکافانه‌ای نظر افکند. به بیان دقیق‌تر باید از خود پرسیم که در قدم اول هدف از تحریم چیست و پس از تبیین هدف این سوال پیش می‌آید که تحریم یا همان عامل ایجاد درد باید چگونه و به کدام قسمت از پیکر کشور تحریم‌شونده وارد آید تا نتایج عملی آن محقق شود. نفیو به رابطه تحریم با بنیان‌های تعامل انسانی می‌پردازد و به عقیده وی طراحی و اعمال تحریم یک کار هنری است از این جهت که به مردم و افراد یک جامعه تحت تحریم و چگونگی پاسخ آن‌ها به فشار تحریم‌ها می‌پردازد.

همان طور که پیش‌تر نیز گفته شد، تحریم‌ها از این جهت در عصر کنونی دارای مقبولیت بیشتری نسبت به اقدام نظامی هستند چون این روش تلفات انسانی و اثرات تخریبی کمتری نسبت به جنگ از خود به جای می‌گذارد. اما آنچه که در ابتدا از مفهوم تحریم به ذهن متبادر می‌شود اعمال فشار اقتصادی بر کشورهاست. حال آنکه تحریم در واقع نه تنها حوزه اقتصاد بلکه حوزه‌های گسترده‌تری را از جمله سیاسی و دیپلماتیک، نظامی و همچنین فناوری را نیز در بر می‌گیرد. تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک عمدتاً جایگاه بین‌المللی کشورها را هدف می‌گیرد و تأثیر آن‌ها سیاسی است. بنابراین اثر این تحریم‌ها بر دولت است و نه اشخاص یا نهادها. از جمله این تحریم‌ها می‌توان به تحریم صدور ویزا برای مقامات کشورها، تعلیق توانایی مشارکت در سازمان‌ها و کمیته‌های بین‌المللی و کاهش سطح روابط دیپلماتیک نام برد. این نوع تحریم‌ها هزینه‌های غیرملموس دارد و آن عبارت است از تنزل اعتبار و جایگاه بین‌المللی کشورها و نه زیان‌های اقتصادی. تحریم‌های نظامی نوعی دیگر از تحریم‌هاست که دسترسی کشور مورد هدف را به تجهیزات نظامی و کمک‌های فنی از بین می‌برد یا محدود می‌کند. این نوع تحریم‌ها می‌توانند یا شامل ممنوعیت‌های بین‌المللی باشند یا تحریم‌های دولت محور که مانع از همکاری‌های نظامی می‌شود. هدف این تحریم‌ها تحلیل قدرت نظامی کشور مورد هدف در بلند مدت است. در نهایت تحریم‌های حوزه فناوری حوزه‌هایی را در بر می‌گیرد که تأمین کالاهای خاصی را که مثلاً برای مقاصد خاص مانند برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی است دنبال می‌کنند. در این حالت پشتیبانی‌های فنی در حوزه‌هایی خاص مورد تحریم قرار می‌گیرد. هدف این تحریم‌ها ایجاد اختلال در توسعه فناوری کشور مورد هدف است و باعث فرصت سوزی‌های اقتصادی خواهد شد. در نهایت تحریم‌های اقتصادی پراستفاده‌ترین نوع تحریم‌ها هستند که به جرئت می‌توان گفت بیشترین لطمات را بر کشور مورد هدف وارد می‌کند. این تحریم‌ها که گستره وسیعی از اقتصاد را در بر می‌گیرند از طریق ایجاد اختلال در ارتباطات بین‌المللی نظام مالی کشور مورد هدف یا تحریم خرید برخی کالاهای مهم تولیدی آن کشور، کشور تحریم‌شونده را از فرصت‌ها و ابزارهای اقتصادی محروم

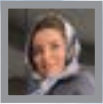
کرده و با وارد کردن لطمه به نظام اقتصادی سعی در تغییر رفتار کشور مورد هدف دارد. به طور کلی تحریم‌های اقتصادی دو مسیر کلی را پیش می‌گیرند، یکی فعالیت‌های تجاری و معاملات و دیگری فعالیت‌های مالی.

حال با توجه به انواع تحریم‌هایی که در بالا ذکر شد، مسئله اساسی این است که آیا درک درستی از تحریم توسط کشور تحریم‌کننده حاصل شده است یا خیر؟ به بیان دقیق‌تر آیا اعمال تحریم‌ها با اختلاف کمی همان آثاری را در کشور هدف بر جای خواهد گذاشت که طرف تحریم‌کننده پیش‌بینی کرده؟ برای پاسخ به این سوال نفیو بر اساس تجارب خود در طراحی و اعمال تحریم راهبردی شش‌گانه را در کتاب خود معرفی کرده است.

■ راهبرد شش‌گانه

نفیو فرایندی شش‌مرحله‌ای را در طراحی و اعمال تحریم به متولیان این امر به شرح زیر ارائه می‌کند:

- شناسایی هدف از اعمال تحریم‌ها و تعریف گام‌هایی برای کشور مورد تحریم که در صورت تغییر رفتار فرصتی برای کاهش فشار تحریم برایش وجود داشته باشد و انگیزه آن برای تغییر رفتار از بین نرود؛
- برخورداری از درکی جامع و حداکثری از کشور هدف به طوری که نقاط حساس و آسیب‌پذیر به درستی شناسایی شود؛
- طراحی ساز و کاری دقیق برای افزایش اثرگذاری تحریم‌ها از طریق افزایش فشار بر نقاط آسیب‌پذیر و اجتناب از توجه به نقاطی که آسیب‌پذیری ندارد؛
- رصد مداوم و ارزیابی مستمر فرضیات ابتدایی تحریم و سنجش استقامت کشورها به منظور بهبود راهبرد تحریم؛
- ارائه نقشه راه مشخص به کشور مورد هدف در مورد شرایط لازم برای رفع تحریم‌ها و همچنین ترغیب کشور مورد نظر به اتخاذ روش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به توافق و نهایتاً کاهش فشارهای ناشی از تحریم؛
- در نظر گرفتن این حقیقت که ممکن است به دلایلی از جمله نواقص موجود در ساز و کار تحریم، عدم درک درست از شرایط کشور مورد هدف یا افزایش استقامت کشور تحریم‌شونده در مقابل تحریم‌ها، کشور تحریم‌کننده با شکست مواجه شود.



مریم ذوالفقار
کارشناس مدیریت ارتباطات، بانک خاورمیانه

نگاهی به داستان کارآفرینی سید حسین سلیمی

کارآفرینی که هیچ‌گاه آرام نمی‌گیرد

بسیاری بازدید کرد که در افزایش علاقه او به صنعت تأثیر بسزایی داشت.

پس از بازگشت از سفر، در خارج از محدوده تهران زمین جدیدی برای احداث واحد تولید گچ بسته‌بندی و استاندارد احداث کرد زیرا کارخانه گچ پدري که در آن زمان در شهرری بود، از طرف اداره محیط‌زیست دولت وقت به دلیل ایجاد آلودگی تعطیل شده بود. به این ترتیب برای نخستین بار واحد صنعتی مکانیزه تولید گچ با نام «ایران گچ» را در سال ۱۳۵۰ راه‌اندازی کرد.

در سال ۱۳۵۶ شرکت ایران گچ مشمول قانون واگذاری سهام به کارگران شد که ۲۲ درصد سهام را به کارگران واگذار کرد. ایران گچ در آن سال سهامی عام شد و وارد بورس گردید. در سال ۱۳۵۶ واحد بلوک سازی را احداث کرد و برای اولین بار به جای آجر، برای تفکیک دیوارها، بلوک‌های گچ در ساختمان‌ها استفاده شد. در همان سال قرارداد احداث کارخانه دیوار خشک Drywall با ظرفیت سالانه پنج میلیون مترمربع بسته شد. مجوز وزارت صنایع برای احداث کارخانه در زمین همجوار کارخانه ایران گچ اخذ شد و تکنولوژی و ماشین‌آلات از آلمان وارد ایران شد. به دلیل تقارن با انقلاب اسلامی، مهندسان آلمانی که در حال نصب و راه اندازی کارخانه بودند از ایران رفتند و کار متوقف شد تا سال ۱۳۷۲ که او به آقای نیکولاس کناف از آلمان (طراح کارخانه‌های گچ و Drywall) پیشنهاد کرد که به ایران بیاید و از کارخانه دیوار خشک بازدید کند. این دیدار منجر به مشارکت با خارجی‌ها شد و او برای اولین بار توانست با بیش از ۵۱ درصد مشارکت خارجی فعالیت کارخانه را آغاز کند که این اتفاق شش‌رویی برای صادرات صفحات گچ و کسب جواز بسیاری در زمینه صادرات توسط مهندس سلیمی شد.

او در سال ۱۳۶۲ کارخانه فروسیلیس را که اولین و بزرگترین واحد صنعتی بعد از انقلاب در سمنان بود در قالب یک شرکت افتتاح کرد و به مدت ۱۲ سال ریاست هیات مدیره این شرکت را بر عهده داشت.

در دهه ۷۰، او دو دوره عضویت در هیات ریسه اتاق بازرگانی ایران را بر عهده داشت. حدود سال ۱۳۷۵ موضوع تأسیس بانک خصوصی مطرح شد. تا آن زمان مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان این امر میسر نبود اما سلیمی به همراه مهندس خلیلی، دکتر عقلی و اعضای انجمن مدیران صنایع که در شرکت سرمایه‌گذاری صنایع

ایران فعالیت داشتند توانستند با استفاده از زیرنویس اصل ۴۴ که تأسیس بانک خصوصی را در صورتی که برای دولت ضرری در پی نداشته باشد؛ بلاشکال می‌دانست مجوز تأسیس یکی از اولین موسسه‌های اعتباری غیر بانکی خصوصی را اخذ کنند. او از اعضای هیات موسس و اعضای اولیه هیات مدیره آن موسسه بود که بعد از چندی به بانک کارآفرین تبدیل شد.

سلیمی اما همچنان به کار اصلی خود مشغول بود و بعد از تولید گچ، دیوار خشک، کناف و محصولات فرعی گچ، کارخانه گچ و سرامیک ایران را در سال ۱۳۸۰ افتتاح کرد. تولیدات این کارخانه گچ سرامیک یا گچ قالب‌ریزی بود که در قالب‌های تولید لوازم بهداشتی، دستشویی، توالت و ظروف چینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی با تأسیس کارخانه گچ و سرامیک در محل جدید در حوالی سمنان، گرمسار و با استفاده از ماشین‌آلات hi-tech موفق به تولید گچ آلفا و گچ ریخته‌گری و قالب‌سازی شد. محصولات این کارخانه با توجه به کیفیت و استاندارد بالا و بهتر بودن نسبت به نمونه‌های وارداتی و قیمت بسیار کمتر نیاز اکثر کارخانجات تولید لوازم بهداشتی و ظروف چینی را تأمین و از واردات این محصولات از خارج کشور جلوگیری کرد. با توجه به قابل رقابت بودن محصولات با نمونه‌های خارجی و بازاریابی برای فروش در سایر کشورها، صادرات محصولات تولیدی نیز در سال ۱۳۹۷ آغاز خواهد شد.

در حال حاضر این مجموعه مشغول کار روی قالب مورد نیاز طلاسازی است. تهیه این محصول فناوری پیشرفته‌ای نیاز دارد و به عبارتی hi-tech است و او در تلاش است تا پایان سال این محصول را با کیفیت بالا روانه بازار کند.

مهندس سلیمی اکنون عضو هیات نمایندگان اتاق‌های بازرگانی تهران و ایران و رییس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی اتاق ایران است. او همچنین نایب رییس هیات مدیره بانک خاورمیانه و بیمه خاورمیانه، خزانه‌دار کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی و نایب رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی است. مهندس سلیمی معتقد است کارآفرین هیچ‌گاه آرام نمی‌گیرد و قانع نیست. کارآفرین همواره در حال فعالیت و برنامه‌ریزی برای اقدامات جدید است.

۱. سولفات کلسیم همی هیدرات (HH) که یک ماده بسیار مهم، ویژه در صنعت ساختمان است از آبیتری از DH به دست می‌آید و به دو شکل سولفات کلسیم همی هیدرات آلفا (α-HH) و سولفات کلسیم همی هیدرات بتا، (β-HH)، وجود دارد. ویژه‌ترین خاصیت همی هیدرات آلفا (کچ آلفا) مقاومت اولیه و نهایی بسیار بالای آن در گچ، ملات، سیمان، مواد دندانپزشکی و غیره است.

گزارش فصلی تحولات

اقتصاد ایران منتشر شد



دوازدهمین گزارش فصلی تحولات اقتصاد ایران (منتهی به مهر ۱۳۹۷) توسط مدیریت تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه منتشر شد.

در این گزارش ۱۵ صفحه‌ای به مهم‌ترین تحولات و تغییرات اقتصادی فصل تابستان ۱۳۹۷ از جمله قیمت‌ها و تورم، تراز پرداخت‌ها، بازار ارز، بازار سرمایه، متغیرهای پولی و اعتباری، وضعیت مالی دولت، بخش واقعی اقتصاد و ... پرداخته شده است.

گفتنی است سلسله گزارش‌های تحولات اقتصادی ایران به دو زبان فارسی و انگلیسی توسط بانک خاورمیانه انتهای هر فصل منتشر می‌شود. این خلاصه گزارش از تحولات اقتصادی ایران، مناسب برای استفاده سرمایه‌گذاران خارجی، تصمیم گیران اقتصادی، اقتصاددانان، مدیران ارشد بنگاه‌های تجاری و علاقه‌مندان به حوزه اقتصاد است.

جهت دریافت این گزارش می‌توانید از طریق اسکن QR کد یا با مراجعه به بخش گزارش‌های مالی و اقتصادی وب‌سایت بانک خاورمیانه، فایل آن را دانلود کنید.



پیش‌بینی رشد اقتصادی منفی برای امسال

انستیتوی مالیه بین المللی اعلام کرد، صادرات نفت ایران در آستانه دور دوم تحریم‌های آمریکا علیه تهران در حال کاهش است و اقتصاد این کشور احتمالا در سال جاری و سال آینده میلادی رشد منفی ۳ و ۴ درصدی را تجربه خواهد کرد. صادرات نفت خام و میعانات ایران در فاصله ماه‌های آوریل تا سپتامبر ۲۰۱۸، ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته است. انستیتوی مالیه بین المللی همچنین گفته، صادرات نفت خام و میعانات ایران در ماه آوریل ۲۸ میلیون بشکه بوده در حالی که در ماه سپتامبر ۲ میلیون بشکه در روز برآورد شده است.

انستیتوی مالیه بین المللی در گزارش خود در مورد اقتصاد ایران گفته، صادرات نفت ایران باز هم در حال کاهش است، هرچند که این کشور در حال فروش انواع کلیدی نفت‌های خود با تخفیف است و از تانکرهای خود برای حمل محموله‌های انرژی به چین و هند استفاده می‌کند. کشتی داران همچنین شرایط پرداخت سخاوتمندانه‌ای را از ایران دریافت می‌کنند و در برخی موارد به جای دلار، از ایران یورو و یوان می‌گیرند. به گفته این موسسه، تجارت تهراتری و نقدی با تشدید تحریم‌های آمریکا، نقش پررنگ‌تری در معاملات ایران پیدا خواهد کرد.

کشورهای باقی مانده در برجام اعلام کرده‌اند که مصمم به ایجاد مکانیزم‌های پرداخت جدید جهت ادامه تجارت با ایران هستند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا گفته، برنامه اتحادیه اروپا برای ایجاد یک ساز و کار ویژه جهت دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه صادرات نفت ایران عمیقا غیرسازنده است. چند دیپلمات اروپایی هم گفته‌اند، هدف از ایجاد یک ساز و کار ویژه یک سیستم تهراتری مشابه آن چیزی است که در دوره جنگ سرد توسط اتحاد جماهیر شوروی مورد استفاده قرار گرفت تا نفت ایران بدون جابجایی پول با کالاهای اروپایی معاوضه شود. انستیتوی مالیه بین المللی گفته، چنین سیستمی احتمالا نخواهد توانست شرکت‌های بزرگ اروپایی را نسبت به تجارت با ایران متقاعد سازد، زیرا آنها از تحریم‌های آمریکا واهمه دارند.



الزام فعالان بازار سرمایه ایران،

به ثبت نام در سامانه سجام

با توجه به اطلاعیه «شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه»، کلیه ارکان بازار سرمایه از جمله تشکل‌های خود انتظام، نهادهای مالی، خریداران واحدهای صندوق‌های سرمایه گذاری و ناشران ملزم به ثبت نام در سامانه سجام هستند. سجام (سامانه جامع اطلاعات مشتریان) درگاه واحد خدمات‌دهی به تمامی ارکان بازار، نهادهای مالی، ناشران و سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی است و مطابق با اطلاعیه اشاره شده، فعالان بازار سرمایه، ۶ ماه جهت ثبت‌نام در این سامانه، فرصت دارند.

در این اطلاعیه موارد زیر تاکید شده است:

۱- پس از گذشت ۶ ماه تقویمی از تاریخ صدور این اطلاعیه هیچ شخص حقیقی و حقوقی نمی‌تواند بدون ثبت نام در این سامانه، در بازار سرمایه خدماتی از قبیل خرید و فروش اوراق بهادار و صدور و ابطال واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ... را دریافت نمایند.
۲- از تاریخ صدور این اطلاعیه ارائه کلیه خدمات به اشخاص حقیقی و حقوقی جدید در بازار سرمایه از جمله صدور کد معاملاتی در کلیه بورس ها، صدور واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری، صدور کد سبدگردانی و ... صرفا پس از ثبت نام در این سامانه امکان پذیر خواهد بود.
۳-نحوه مراجعه به دفاتر پیشخوان منتخب جهت احراز هویت ظرف ۱ ماه آینده از طریق صدور اطلاعیه و ارسال پیامک به استحضار ثبت‌نام کنندگان خواهد رسید.

با توجه به اطلاعیه فوق، مشتریان محترم صندوق سرمایه‌گذاری افق بانک خاورمیانه و همچنین سهامدارن محترم بانک می‌توانند از طریق اسکن QR کد بالا در سامانه سجام ثبت‌نام کنند.



ساعت کاری شعبه‌های بانک خاورمیانه در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۳۰ و در روزهای پنج‌شنبه از ساعت ۸:۰۰

الی ۱۳:۰۰ می‌باشد.

شعبه‌های بانک خاورمیانه

شهر	شعبه	کد	آدرس	تلفن
تهران	آفتاب	۱۰۰۱	میدان ونک، خیابان شهید خدای، تقاطع خیابان آفتاب، شماره ۱۱۸	۸۸۶۲ ۳۷۵۰
تهران	نویخت	۱۰۰۲	خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم، شماره ۵۸	۸۶۰۸ ۹۷۰۳
تهران	نیاوران	۱۰۰۳	خیابان شهید باهنر، بعد از سهراب یاسر، شماره ۲۹۹	۲۲۷۵ ۹۳۹۸
تهران	الهیه	۱۰۰۴	خیابان شهید فیاضی، خیابان شهید آقابزرگی، نبش بن‌بست بیژن، شماره ۳۳	۲۲۳۹ ۰۹۹۱
تهران	مهستان	۱۰۰۵	شهرک قدس، خیابان ایران‌زمین، شماره ۲۲۰۲	۸۸۵۶ ۱۶۵۶
تهران	سعادت‌آباد	۱۰۰۶	خیابان سعادت‌آباد، میدان سرلشکر شهید طهرانی‌مقدم، نبش کوچه هفتم، شماره ۸۶	۲۲۳۸ ۲۹۳۸
تهران	بخارست	۱۰۰۷	خیابان احمد قصر، نبش خیابان پنجم، شماره ۲	۸۸۷۲ ۹۹۲۵
تهران	زعفرانیه	۱۰۰۸	خیابان ولنجک، انتهای خیابان سیزدهم، تقاطع خیابان ثاراله، شماره ۲	۲۲۴۲ ۴۷۸۲
تهران	ظفر	۱۰۰۹	خیابان شهید دستگردی، بین بلوار نلسون ماندلا و خیابان ولی‌عصر، شماره ۲۷۷	۸۶۰۸ ۲۳۸۵
اصفهان	اصفهان	۳۰۰۱	میدان فیض، نبش خیابان میر، شماره ۵	۰۳۱-۳۶۶۴ ۴۶۸۳
تبریز	تبریز	۴۵۰۱	شهرک ولی‌عصر، فلکه رودکی، خیابان رودکی، نبش کوچه سحر، شماره ۵۶۰	۰۴۱-۳۳۲۷ ۲۶۰۵
شیراز	شیراز	۷۲۰۱	بلوار ستارخان، تقاطع خیابان عفیف‌آباد، شماره ۱۲۷	۰۷۱-۳۶۲۶ ۸۸۰۷
مشهد	مشهد	۸۵۰۱	بلوار سجاد، بین چهارراه بهار و چهارراه گلریز، شماره ۴۸	۰۵۱-۳۷۶۵ ۶۲۲۲
اردبیل	اردبیل	۴۸۵۱	خیابان امام خمینی، مجتمع تجاری اداری الدوز پاسارگاد، طبقه هفتم، واحد ۷۶	۰۴۵-۳۳۲۵ ۸۷۰۱
کرج	کرج	۶۲۴۱	میدان امام حسین، بلوار چمران، مجتمع اداری البرز بل سنتر، طبقه سوم، واحد ۳۰۲	۰۲۶-۳۲۸۶ ۷۳۰۰
کرمان	کرمان	۸۰۰۱	بلوار جمهوری اسلامی، بازار موبایل ایران ۳، طبقه پنجم، واحد ۵۰۷	۰۳۴-۳۲۴۸ ۴۱۳۵

بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه بازار پول و سرمایه را به صورت مستقیم و

یا از طریق شرکت‌های زیرمجموعه یا وابسته با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم کرده است.

شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

تهران، خیابان شهید دستگردی، بین بلوار نلسون ماندلا و خیابان ولی‌عصر، شماره ۲۷۷ تلفن: ۸۶۰۸ ۰۹۱۹

شرکت داده‌پردازان سیمای آفتاب

تهران، خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم، شماره ۱ تلفن: ۴۳۶۵ ۷۰۰۰

شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصر(بخارست)، نبش کوچه نهم، برج بخارست، طبقه دوم تلفن: ۴۱۲۶ ۱۰۰۰

شرکت بیمه زندگی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصر (بخارست)، خیابان ششم، شماره ۷ تلفن: ۴۱۳۶ ۳۰۰۰

ساختمان ادارات مرکزی

تهران، خیابان احمد قصر، نبش خیابان پنجم، شماره ۲

تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰ دورنگار: ۱۰۹۵ ۸۸۷۰

کدپستی: ۱۵۱۳۴۵۷۱۷ تهران، صندوق‌پستی: ۱۵۸۷۵-۴۴۴۵

www.middleeastbank.ir

info@middleeastbank.ir



هوای هوا را داشته باشیم ...

